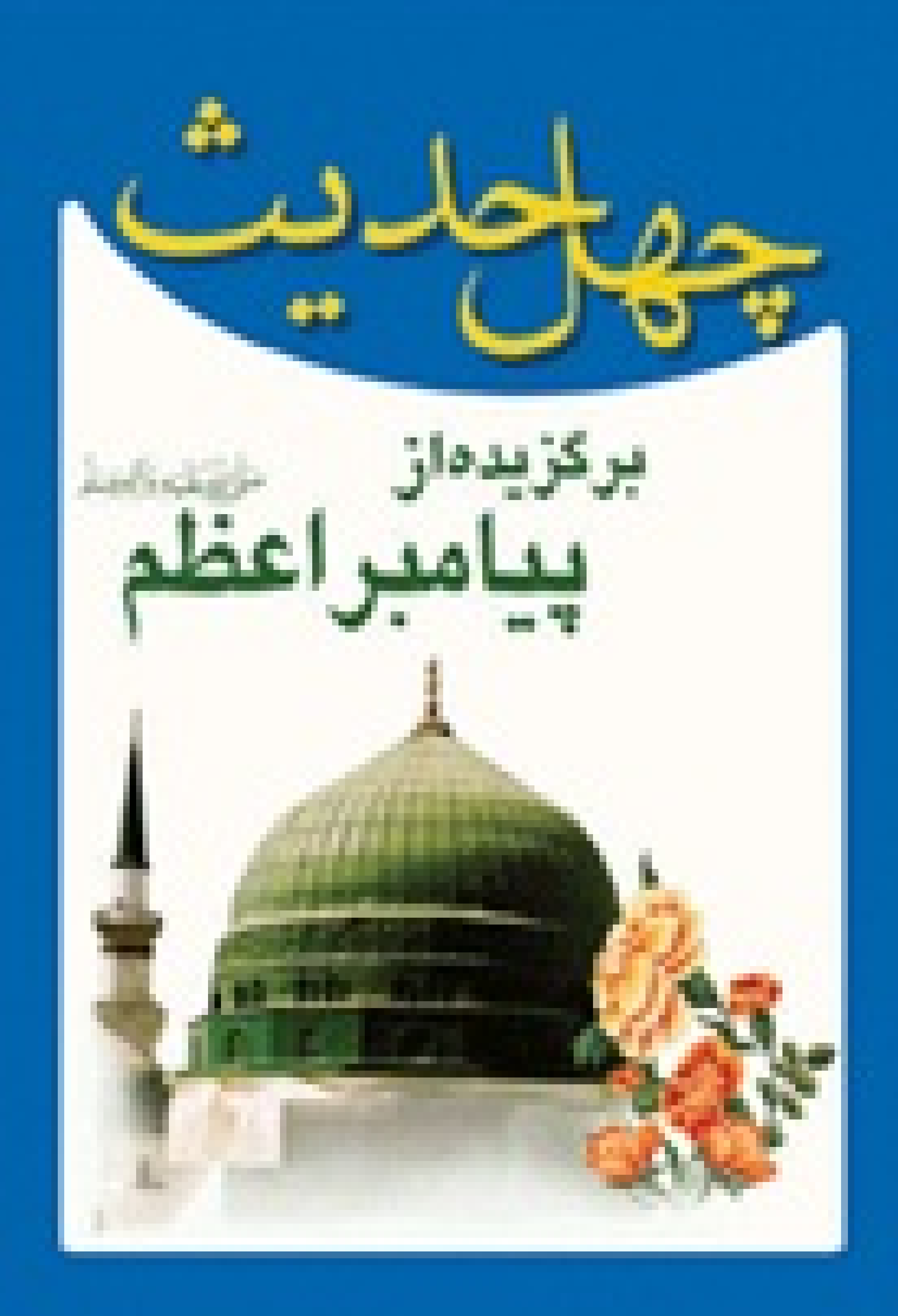


احمد سعیدی


بسم الله الرحمن الرحیم

چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

نویسنده:

احمد سعیدی

ناشر چاپی:

مسجد مقدس جمکران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله

مشخصات کتاب

سرشناسه : سعیدی، احمد، ۱۳۴۶ -

عنوان و نام پدیدآور : چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه واله: به ضمیمه معرفی ۲۶۰ کتاب پیرامون پیامبر اکرم صلی الله علیه واله / گردآورنده احمد سعیدی.

مشخصات نشر : قم: مسجد مقدس جمکران ۱۳۸۶.

مشخصات ظاهری : ۱۱۱ص. ؛ ۱۶×۱۱/۵ س م.

شابک : ۶۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۸۴۸۴-۹۷-۳ :

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : فارسی- عربی.

یادداشت : چاپ دوم.

یادداشت : عنوان دیگر: چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه واله.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر : چهل حدیث برگزیده از پیامبر اعظم صلی الله علیه واله.

موضوع : محمد (ص) ، پیامبر اسلام، ۵۳ قبل از هجرت - ۱۱ق -- احادیث

موضوع : اربعینات -- قرن ۱۴

موضوع : احادیث شیعه -- قرن ۱۴

رده بندی کنگره : BP۱۴۳/۹ /س۷ چ۹ ۱۳۸۶

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی : ۱۱۵۹۵۷۵

مقدمه

رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

مَنْ حَفِظَ مِنْ أُمَّتِی أَرْبَعِینَ حَدِیثاً مِمّا یَحْتاجُونَ إِلَیْهِ مِنْ أَمْرِ دِینِهِمْ بَعَثَهُ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - یَوْمَ الْقِیامَهِ فَقِیهاً عالِماً؛(۱)

هرکس از امّت من چهل حدیث از آنچه که در امر دینشان نیاز دارند حفظ نماید خداوند متعال وی را در روز قیامت فقیه و عالم محشور خواهد کرد.

معروف است که برای ردّ سخن کسی یا پایین آوردن ارزش آن می گویند: "حرف فلانی که وحی مُنزَل نیست"؛ لکن در بین تمام حرف ها و حرف تمام افراد، گفتار پیامبر اعظم اسلام حضرت محمّد مصطفی صلی اللّه علیه و آله وسلم، واقعاً وحی منزل است، چون این قرآن است که در تمجید آن حضرت می فرماید: «وَما یَنْطِقُ عَنِ الْهَوی * إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْیٌ یُوحی ؛(۲) «و هرگز

از روی هوای نفس سخن نمی گوید! آنچه می گوید چیزی جز وحی که بر او نازل شده نیست!»

آنچه پیامبرصلی الله علیه وآله می فرمود خدایی بود، و طبعاً آنچه هم عمل می کرد خدایی بود، و به همین جهت است که می گویند: قول و فعل و تقریر (گفتار و رفتار و حتی سکوت) معصوم برای همه حجّت است؛ لذا خداوند متعال ایشان را به عنوان شاخص و الگو معرفی فرمود: «لَقَدْ کانَ لَکُمْ فِی رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ»؛(۳) «مسلّماً برای شما در زندگی رسول خدا سرمشق نیکویی بود»؛ یعنی شما هم مانند او باشید.

پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله هرچه می گفت، هر امری می کرد، هر نصیحتی می نمود، یا هر حکم شرعی را بیان می داشت، قبل از همه، خود به آن عمل می فرمود. اگر می گفت صبر و تحمل و تواضع داشته باشید، او که اشرف مخلوقات بود و بالاترین مقامات وقدرت و درجه را داشت «یا أَیُّها النَّبِیُّ إِنَّا أَرْسَلْناکَ شاهِداً وَمُبَشِّراً وَنَذِیراً * وَداعِیاً إِلَی اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِراجاً مُّنِیراً»(۴) ولی آن قدر متواضع بود که زندگی اش با دیگران نه تنها فرقی نداشت، بلکه خودش را پایین تر از همه می گرفت به طوری که امام علی علیه السلام می فرماید: او هم مانند یکی از ما و در بین ما زندگی می کرد.

همین خُلق خوش و قلب رئوف(۵) و حرص به هدایت مردم(۶) بود که آنان را شیفته وی و مؤمن به سخن و پیرو دین خویش کرده بود و خداوند نیز ایشان را به مدال «وَإِنَّکَ لَعَلی خُلُقٍ عَظِیمٍ»(۷) مفتخر فرمود.

اگرچه سخنان پیامبرصلی الله علیه وآله وحی منزل بوده و هست؛ لکن دو علت باعث شد که احادیث آن حضرت در مظلومیت واقع

شود: یکی این که در کنار بزرگ ترین و جاودانه ترین معجزه ایشان؛ یعنی قرآن کریم قرار گرفته بود و دیگر این که برخی ها تا مدت ها از کتابت و تدوین و حتی نقل احادیث پیامبر به بهانه «حسبنا کتاب اللّه» جلوگیری می کردند.

با وجود تمام این موانع، اصحاب خاص پیامبر به ویژه اهل بیت مکرم و مطهر آن حضرت علیهم السلام گفتار و احادیث ایشان را سینه به سینه حفظ و ضبط کردند و از طریق امامان معصوم علیهم السلام در جوامع حدیثی و کتب تاریخی و فقهی منتشر گشت؛ لذا کتاب های بسیاری است که سخنان آن حضرت را جمع آوری نموده است.

لکن بنا به فرمایش «مَنْ حفظ من أُمّتی اربعین حدیثاً ....» و به عنوان تبرّک در سالی که توسط مقام معظم رهبری به نام و یاد پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله مزیّن شده است، فقط چهل(۸) حدیث شریف از سخنان گهربار ایشان، از کتب معتبر حدیثی؛ مانند اصول کافی، امالی شیخ صدوق، بحارالانوار و نهج الفصاحه در موضوعات مختلف گزینش شده است، یعنی این تنها قطره ای است از اقیانوس بی کران معارف نبوی و پنجره ای است به سوی دنیای فضایل و کمالات رسول خداصلی الله علیه وآله به روی مشتاقان؛ خصوصاً جوانان عزیز.

امید است با عمل کردن به دستورات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله و به کارگیری نصایح ارزشمند آن حضرت و نیز الگوبرداری از اخلاق و رفتار ایشان، با رفتاری اسلامی و اخلاقی محمّدی، نمونه ای از مسلمان واقعی باشیم.

در انتهای کتاب، برخی از کتاب هایی که پیرامون تاریخ و سیره پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله چاپ شده، جهت آشنایی و مطالعه علاقمندان و دوستداران آن حضرت معرفی شده است.

از تمامی

عزیزانی که در به ثمر رسیدن این کتاب، حقیر را یاری نموده اند کمال تشکر را دارم.

احمد سعیدی

هفدهم ربیع الاول ۱۴۲۷ ه.ق

حدیث اوّل

نشانه اولیای الهی

حدّثنا الحسین بن أحمد بن إدریس رحمه الله قال: حدّثنا أبی، عن أحمد بن محمّد بن خالد، عن محمّد بن علیّ الکوفی، عن محمّد بن سنان، عن عیسی النهریری (النهزیزی)، عن أبی عبداللّه الصادق عن آبآئه علیهم السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

مَنْ عَرَفَ اللَّهَ وَعَظَّمَهُ، مَنَعَ فاهُ مِنَ الکَلامِ وَبَطْنَهُ مِنَ الطَّعامِ وَعَنا نَفْسَهُ بِالصِّیامِ وَالقِیامِ.

قالُوا: بِآبآئِنا وَأُمَّهاتِنا یا رَسُولَ اللَّهِ! هؤُلآءِ أَوْلِیآءُ اللَّهِ؟

قالَ صلی الله علیه وآله: إنّ أَوْلِیآءَ اللَّهِ سَکَتُوا فَکانَ سُکُوتُهُمْ فِکْراً، وَتَکَلَّمُوا فَکانَ کَلامُهُمْ ذِکْراً، وَنَظَرُوا فَکانَ نَظَرُهُمْ عِبْرَةً، وَنَطَقُوا فَکانَ نُطْقُهُمْ حِکْمَةً، وَمَشَوْا فَکانَ مَشْیُهُمْ بَیْنَ النّاسِ بَرَکَةً.

لَوْلَا الْآجالُ الَّتِی قَدْ کُتِبَتْ عَلَیْهِمْ لَمْ تَسْتَقِرَّ أَرْواحُهُمْ فِی أَجْسادِهِمْ خَوْفاً مِنَ الْعَذابِ وَشَوْقاً إِلَی الثَّوابِ.(۹)

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود:

هر که خدا را بشناسد و او را بزرگ بدارد، دهان خود را از کلام اضافی می بندد و شکم خود را از طعام نگه می دارد و خود را برای روزه و نماز به رنج می افکند.

گفتند: پدر و مادرمان به فدایت یا رسول اللّه! آیا اینان اولیای خدایند؟

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: اولیای خدا هرگاه سکوت کنند سکوتشان فکر و اندیشه است و چون سخن گویند سخن شان ذکر خدا باشد؛ و هر گاه نگاه کنند، نگاه آن ها عبرت است و گفتارشان علم و حکمت باشد و رفتار و روش آن ها میان مردم باعث برکت است.

اگر اجل برایشان معیّن نشده بود، از ترس عذاب آتش و شوق ثواب الهی در پوست خود نمی گنجیدند.

حدیث دوم

علیّ بن ابراهیم، عن أبیه، عن الحسن بن علیّ، عن الیعقوبی، عن بعض أصحابنا، عن عبد الأعلی مولی آل سام، عن أبی عبداللّٰه علیه السلام:

قالَ: إِنَّ

يَهُودِيّاً يُقالُ لَهُ سِبَخْتُ، جآءَ إلى رَسُولِ اللَّه صلى الله عليه وآله فَقالَ: يا رَسُولَ اللَّهِ! جِئْتُ أَسْأَلُكَ عَنْ رَبِّكَ، فَإِنْ أَنْتَ أَجَبْتَنِى عَمّا أَسْأَلُكَ عَنْهُ وَإِلّا رَجَعْتُ.

قالَ: سَلْ عَمّا شِئْتَ.

قالَ: أَيْنَ رَبُّكَ؟

قالَ: هُوَ فِى كُلِّ مَكانٍ، وَلَيْسَ فِى شَىْ ءٍ مِنَ الْمَكانِ الْمَحْدُودِ.

قالَ: وَكَيْفَ هُوَ؟

قالَ: وَكَيفَ أَصِفُ رَبِّى بِالْكَيْفِ وَالْكَيْفُ مَخْلُوقٌ وَاللَّهُ لايُوصَفُ بِخَلْقِهِ.

قالَ: فَمِنْ أَيْنَ يُعْلَمُ أَنَّكَ نَبِىُّ اللَّهِ؟

قالَ عليه السلام: فَما بَقِىَ حَوْلَهُ حَجَرٌ وَلا غَيْرُ ذلِكَ إِلّا تَكَلَّمَ بِلِسانٍ عَرَبِىٍّ مُبِينٍ: يا سِبَخْتُ! إِنَّهُ رَسُولُ اللَّهِ.

فَقالَ سِبَخْتُ: ما رَأَيْتُ كَالْيَوْمِ أَمْراً أَبْيَنُ مِنْ هذا. ثُمَّ قالَ: أَشْهَدُ أَنْ لا إِلهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّكَ رَسُولُ اللَّهِ.(١٠)

امام صادق عليه السلام فرمود:

شخصى يهودى به نام «سبخت» خدمت رسول خداصلى الله عليه وآله آمد و گفت:

يا رسول اللَّه! نزد شما آمدم تا در مورد پروردگارت پرسش كنم، اگر پاسخ مرا داديد كه بسيار خوب و گرنه برگردم.

فرمود: هرچه خواهى بپرس.

عرض كرد: پروردگارت كجاست؟

فرمود: او همه جا هست و در هيچ جا محدود نيست.

گفت: پس او چگونه است؟

فرمود: چطور پروردگار خود را به كيفيت وصف كنم با اين كه اصل كيفيت و چگونگى، مخلوق خداست و خدا به چيزى كه خود خلق كرده است وصف نگردد.

گفت: از كجا دانسته شود كه تو پيغمبر خدايى؟

امام عليه السلام فرمود: هيچ سنگ و چوب و درختى در آن نزديكى نبود جز اين كه به زبان عربىِ گويا شروع به سخن كردند

و گفتند: ای سبخت! به راستی او رسول خداست.

سبخت گفت: من تا امروز مطلبی روشن تر از این ندیدم و سپس گفت: شهادت می دهم که خدایی جز اللَّه نیست و شهادت می دهم که تو رسول خدایی.

حدیث سوم

اعتماد به رحمت الهی

عده من أصحابنا، عن أحمد بن

محمّد، عن ابن محبوب، عن داود بن کثیر، عن أبی عبیده الحذاء، عن أبی جعفرعلیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

قالَ اللَّهُ تَبارَکَ وَتَعالی لایَتَّکِلُ الْعامِلُونَ لِی عَلی أَعْمالِهِمُ الَّتِی یَعْمَلُونَها لِثَوابِی، فَإِنَّهُمْ لَوْ اِجْتَهَدُوا وَأَتْعَبُوا أَنْفُسَهُمْ - أَعْمارَهُمْ - فِی عِبادَتِی کانُوا مُقَصِّرِینَ غَیْرَ بالِغِینَ فِی عِبادَتِهِمْ کُنْهَ عِبادَتِی فِیما یَطْلُبُونَ عِنْدِی مِنْ کَرامَتِی وَالنَّعِیم فِی جَنّاتِی وَرَفِیعِ الدَّرَجاتِ الْعُلی فِی جِوارِی وَلکِنْ بِرَحْمَتِی فَلْیَثِقُوا وَفَضْلِی فَلْیَرْجُوا وَإِلی حُسْنِ الظَّنِّ بِی فَلْیَطْمَئِنُّوا، فَإِنَّ رَحْمَتِی عِنْدَ ذلِکَ تُدْرِکُهُمْ، وَمَنِّی یُبَلِّغُهُمْ رِضْوانِی، وَمَغْفِرَتِی تُلْبِسُهُمْ عَفْوِی، فَإِنِّی أَنَا اللَّهُ الرَّحْمنُ الرَّحِیمُ وَبِذلِکَ تَسَمَّیْتُ.(۱۱)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

خداوند تبارک و تعالی می فرماید: کسانی که برای درک ثواب از من کار می کنند به کردار خود اعتماد نداشته باشند؛ زیرا اگر همه عمر بکوشند و خود را در عبادت من به رنج و زحمت اندازند، بازهم تقصیر کارند و در عبادت خود به کُنه (مقام) بندگی من نرسند.

و نسبت به آنچه از کرامت من، نزد من می جویند و نیز به نعمت های بهشتی ام و درجات بلندی که در جوار من است نخواهند رسید؛ ولی باید به رحمت من اعتماد کنند و به فضل من امیدوار باشند و به خوش بینی نسبت به من اطمینان داشته باشند؛ زیرا در این صورت است که رحمت من شامل آن ها می شود. و بخشش من است که آنان را به بهشت و رضوانم می رساند. و آمرزش من، لباسی است برای عفو آنان؛ زیرا منم خدای بخشاینده و مهربان، و بدین اسم نیز نامیده شده ام.

حدیث چهارم

حقیقت اسلام

عن أحمد بن محمّد بن خالد، عن أبیه، عن عبداللَّه بن القاسم، عن مدرک بن عبدالرحمن، عن أبی عبداللَّه علیه

السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

اَلْإِسْلامُ عُرْیانٌ، فَلِباسُهُ الْحَیآءُ وَزِینَتُهُ الْوَقارُ وَمُرُوءَتُهُ الْعَمَلُ الصّالِحُ وَعِمادُهُ الْوَرَعُ، وَلِکُلِّ شَیْ ءٍ أَساسٌ وَأَساسُ الْإِسْلامِ حُبُّنا أَهْلَ الْبَیْتِ.(۱۲)

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

اسلام حقیقتی است لخت و برهنه؛ پس جامه اش حیا، و زیورش وقار، و مردانگی اش کار خوب، و ستونش ورع و پارسایی است. هرچیزی بنیادی دارد و بنیاد اسلام دوستی ما خاندان است.

حدیث پنجم

جانشینان پیامبرصلی الله علیه وآله دوازده نفرند

حدّثنا أحمد بن محمّد، عن أبیه، عن محمّد بن عبدالجبّار، عن محمّد بن زیاد الأزدی، عن أبان بن عثمان، عن ثابت بن دینار، عن علیّ بن الحسین، عن أبیه، عن أمیرالمؤمنین علی بن أبی طالب علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

اَلْأَئِمَّهُ مِنْ بَعْدِی اِثْناعَشَرَ: أَوَّلُهُمْ أَنْتَ یا عَلِیُّ! وَآخِرُهُمْ الْقآئِمُ الَّذِی یَفْتَحُ اللَّهُ - تَعالی ذِکْرُهُ - عَلی یَدَیْهِ مَشارِقَ الْأَرْضِ وَمَغارِبَها.

امام سجّاد از پدر بزرگوارش علیهما السلام از جدّ والامقامش امیرمؤمنان علی علیه السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

امامان پس از من دوازده نفرند؛ نخستین آن ها تویی ای علی! و آخر آن ها همان قائمی است که خداوند متعال به دست او مشرق و مغرب زمین را فتح می کند.(۱۳)

حدیث ششم

حقیقت اسلام و دوستی اهل بیت علیهم السلام

عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد، عن عبدالعظیم بن عبداللَّه الحسنیّ، عن أبی جعفر الثانی، عن أبیه، عن جدّه علیهم السلام قال: قال أمیرالمؤمنین علیه السلام:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله:

إِنَّ اللَّهَ خَلَقَ الْإِسْلامَ فَجَعَلَ لَهُ عَرْصَةً وَجَعَلَ لَهُ نُوراً وَجَعَلَ لَهُ حِصْناً وَجَعَلَ لَهُ ناصِراً؛

فَأَمّا عَرْصَتُهُ فَالْقُرْآنُ، وَأَمّا نُورُهُ فَالْحِكْمَهُ، وَأَمّا حِصْنُهُ فَالْمَعْرُوفُ، وَأَمّا أَنْصارُهُ فَأَنَا وَأَهْلُ بَيْتِی وَشِيعَتُنا، فَأَحِبُّوا أَهْلَ بَيْتِی وَشِيعَتَهُمْ وَأَنْصارَهُمْ، فَإِنَّهُ لَمّا أُسْرِیَ بِی إِلَیَ السَّماءِ الدُّنْيا فَنَسَبَنِی جِبْرَئِيل عليه السلام لِأَهْلِ السَّمآءِ، اسْتَوْدَعَ اللَّهُ حُبِّی وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِی وَشِيعَتِهِمْ فِی قُلُوبِ الْمَلائِكَهِ، فَهُوَ عِنْدَهُمْ وَدِيعَةٌ إِلی يَوْمِ الْقِيامَهِ.

ثُمَّ هَبَطَ بِی إِلی أَهْلِ الْأَرْضِ فَنَسَبَنِی إِلی أَهْلِ الْأَرْضِ فَاسْتَوْدَعَ اللَّهُ - عَزَّ وَجَلَّ - حُبِّی وَحُبَّ أَهْلِ بَيْتِی وَشِيعَتِهِمْ فِی قُلُوبِ مُؤْمِنِی أُمَّتِی، فَمُؤْمِنُوا أُمَّتِی يَحْفَظُونَ وَدِيعَتِی فِی أَهْلِ بَيْتِی إِلی يَوْمِ الْقِيامَهِ.

أَلا فَلَوْ أَنَّ الرَّجُلَ

مِنْ أَمَّتِی عَبَدَ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - عُمْرَهُ أَیّامَ الـدُّنْیا ثُمَّ لَقَی اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - مُبْغِضـاً لِأَهْلِ بَیْتِی وَشِیعَتِی ما فَرَجَ اللَّهُ صَدْرَهُ إِلّا عَنِ النِّفاقِ.(۱۴)

حضرت عبدالعظیم حسنی از امام محمّد تقی علیه السلام نقل می کند که رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

خـدا اسـلام را آفریـد و برای آن میدانی ساخت و چراغی برافروخت و دژی برآورد و یاوری مقرّر کرد؛ میدانش قرآن و چراغ فروزانش حکمت و دژ نگهدارنده اش کار خوب است.

امّا یاورانش؛ منم و خانـدانم و شـیعیان ما، پس دوست بداریـد خانـدانم را و شـیعیان و یاوران آن ها را؛ زیرا آن گاه که مرا در شب معراج به آسـمان بالا بردنـد پس جبرئیل مرا به اهل آسـمان به نسب معرفی کرد. خداونـد دوستی من و دوستی خاندانم و شیعیان آن ها را در دل فرشته ها امانت گذاشت و آن در نزد آنان تا روز قیامت ودیعه است.

سپس مرا نزد اهل زمین فرود آورد و بر اهل زمین نیز به نسب معرفی کرد. خـدای - عزّوجلّ - دوستی من و دوستی خاندانم و شیعه آن هـا را در دل هـای مؤمنـان امّتم امـانت گـذاشت، پس مؤمنـان امّتم تـا روز قیـامت، ودیعه مرا درباره خانـدانم نگه می دارند.

آگاه باشـید! اگر مردی از امّتم تا دنیاست عمر کند و خدا را بپرستد و عبادت کند و سـپس با خدا ملاقات نماید؛ در حالی که دشمن خاندان و شیعه من است، خدا دلش را نگشاید، جز به نفاق (روز قیامت، منافق و بی ایمان محشور می شود).

حدیث هفتم

دوستی و دشمنی برای خدا

حدّثنا محمّد بن القاسم، عن یوسف بن محمّد بن زیاد و علی بن محمّد بن سیار، عن أبویهما، عن أبی محمّد العسکری، عن

آبائه علیهم السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله لِبَعْضِ أَصْحابِهِ ذاتَ یَوْمٍ:

یا عَبْدَ اللَّهِ! أَحْبِبْ فِی اللَّهِ، وَأَبْغِضْ فِی اللَّهِ، وَوالِ فِی اللَّهِ، وَعادِ فِی اللَّهِ؛ فَإِنَّهُ لا تَنالُ وِلایَهَ اللَّهِ إِلّا بِذلِکَ وَلا یَجِدُ رَجُلٌ طَعْمَ الْإِیمانِ وَإِنْ کَثُرَتْ صَلاتُهُ وَصِیامُهُ حَتّی یَکُونُ کَذلِکَ، وَقَدْ صارَتْ مُؤاخاهُ النّاسِ یَوْمِکُمْ هذا أَکْثَرُها فِی الدُّنْیا، عَلَیْها یَتَوادُّونَ وَعَلَیْها یَتَباغَضُونَ وَذلِکَ لا یُغْنِی عَنْهُمْ مِنَ اللَّهِ شَیْئاً.

فَقالَ لَهُ: وَکَیْفَ لِی أَنْ أَعْلَمَ أَنِّی قَدْ والَیْتُ وَعادَیْتُ فِی اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ -؟ فَمَنْ وَلِیُّ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - حَتّی أُوالِیَهِ وَمَنْ عَدُوّهُ حَتّی أُعادِیهِ؟

فَأَشارَ لَهُ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله إِلی عَلِیٍ علیه السلام فَقالَ: أَ تَری هذا؟

فَقالَ: بَلی

قالَ: وَلِیُّ هذا وَلِیُّ اللَّهِ، فَوالِهِ، وَعَدُوُّ هذا عَدُوُّ اللَّهِ، فَعادِهِ، والِ وَلِیَّ هذا وَلَوْ أَنَّهُ قاتِلُ أَبِیکَ وَوَلَدِکَ، وَعادِ عَدُوَّ هذا وَلَوْ أَنَّهُ أَبُوکَ وَوَلَدُکَ.(۱۵)

پیامبر خداصلی الله علیه وآله روزی به یکی از یاران خود فرمود:

ای بنده خدا! دوستی و دشمنی ات برای خدا باشد و مهر و غضبت نیز برای خدا؛ زیرا که به ولایت خدا نمی رسی، جز با این کار.

هیچ کس مزه ایمان را درک نمی کند هر چند نماز و روزه اش زیاد باشد مگر این که چنین باشد، ولی در این روزگار، اکثر مردم بر اساس دنیا، دوستی و دشمنی می کنند در حالی که این، برایشان هیچ سودی از جانب خدا ندارد.

آن شخص به پیامبر صلی الله علیه وآله عرض کرد: معیار دوستی و دشمنی در راه خدا چیست؟ دوست خدا کیست، تا با او دوستی کنم؟ و دشمن خدا کیست تا دشمن او باشم؟

پیامبر خداصلی الله علیه وآله در حالی که به علی علیه السلام اشاره می کرد، فرمود: آیا

این مرد را می بینی؟

عرض کرد: آری.

حضرت فرمودند: دوست او، دوست خداست؛ پس با آن دوستی کن. دشمن او، دشمن خداست، پس با آن دشمن باش. دوست او را دوست بدار، هر چند قاتل پدر وفرزندت باشد، و دشمن او را دشمن بدار، هر چند پدر یا فرزندت باشد.

حدیث هشتم

سفارش پیامبر به ولایت اهل بیت علیهم السلام

حدّثنا الحافظ، عن محمّد بن أحمد بن ثابت بن كنانه، عن محمّد بن الحسن بن العبّاس، عن حسن بن الحسين العرنى، عن عمرو بن ثابت، عن عطاء، عن أبى يحيى، عن ابن عبّاس قال:

صَعِدَ رَسُولُ اللَّه صلى الله عليه وآله الْمِنْبَرَ فَخَطَبَ وَاجْتَمَعَ النّاسُ إِلَيْهِ فَقال صلى الله عليه وآله:

يا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِينَ! إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - أَوْحى إِلَىَّ أَنِّى مَقْبُوضٌ وَأَنَّ ابْنَ عَمِّى عَلِيّاً مَقْتُولٌ وَأَنِّى أَيُّهَا النّاسُ! أُخْبِرُكُمْ خَبَراً إِنْ عَمِلْتُمْ بِهِ سَلَّمْتُمْ وَإِنْ تَرَكْتُمُوهُ هَلَكْتُمْ:

إِنَّ ابْنَ عَمِّى عَلِيّاً هُوَ أَخِى وَهُوَ وَزِيرِى وَهُوَ خَلِيفَتِى وَهُوَ الْمُبَلِّغُ عَنِّى وَهُوَ إِمامُ الْمُتَّقِينَ، وَقآئِدُ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، إِنْ اسْتَرْشَدْتُمُوهُ أَرْشَدَكُمْ، وَإِنْ تَبِعْتُمُوهُ نَجَوْتُمْ، وَإِنْ خالَفْتُمُوهُ ضَلَلْتُمْ، وَإِنْ أَطَعْتُمُوهُ فَاللَّهَ أَطَعْتُمْ، وَإِنْ عَصَيْتُمُوهُ فَاللَّهَ عَصَيْتُمْ، وَإِنْ بايَعْتُمُوهُ فَاللَّهَ بايَعْتُمْ، وَإِنْ نَكَثْتُمْ بَيْعَتَهُ فَبَيْعَهَ اللَّهِ نَكَثْتُمْ.

إِنَّ اللَّهَ - عَزَّوَجَلَّ - أَنْزَلَ عَلَىَّ الْقُرْآنَ وَهُوَ الَّذِى مَنْ خالَفَهُ ضَلَّ، وَمَنِ ابْتَغى عِلْمَهُ عِنْدَ غَيْرِ عَلِيٍ هَلَكَ.

أَيُّهَا النّاسُ! اِسْمَعُوا قَوْلِى وَاعْرِفُوا حَقَّ نَصِيحَتِى وَلا تُخَلِّفُونى فِى أَهْلِ بَيْتِى إِلّا بِالَّذِى أَمَرْتُمْ بِهِ مِنْ حِفْظِهِمْ، فَإِنَّهُمْ حامَّتِى وَقَرابَتِى وَإِخْوَتِى وَأَوْلادِى، وَإِنَّكُمْ مَجْمُوعُونَ وَمُسآءَلُونَ عَنِ الثَّقَلَيْنِ، فَانْظُرُوا كَيْفَ تُخَلِّفُونِى فِيهِما، إِنَّهُمْ أَهْلُ بَيْتِى، فَمَنْ آذاهُمْ آذانِى وَمَنْ ظَلَمَهُمْ ظَلَمَنِى، وَمَنْ أَذَلَّهُمْ أَذَلَّنِى، وَمَنْ أَعَزَّهُمْ أَعَزَّنِى، وَمَنْ أَكْرَمَهُمْ أَكْرَمَنِى، وَمَنْ نَصَرَهُمْ نَصَرَنِى، وَمَنْ خَذَلَهُمْ خَذَلَنِى، وَمَنْ طَلَبَ الْهُدى فِى غَيْرِهِمْ

فَقَدْ كَذَّبَنِی.

أَیُّهَا النّاسُ! اتَّقُوا اللَّهَ وَانْظُرُوا ما أَنْتُمْ قائِلُونَ إِذا لَقِیتُمُوهُ؛ فَإِنِّی خَصْمٌ لِمَنْ آذاهُمْ وَمَنْ کُنْتُ خَصْمُهُ خَصَمْتُهُ، أَقُولُ قَوْلِی هذا وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِی وَلَکُمْ.(۱۶)

ابن عبّاس می گوید: روزی پیامبر خداصلی الله علیه وآله بر فراز منبر رفت و در حالی که مردم گرد او جمع شده بودند، شروع به سخنرانی کرد وفرمود:

ای گروه مؤمنان! خداوند عزیز وحی کرده که من قبض روح خواهم شد، و پسر عمویم، علی، به شهادت خواهد رسید و حال ای مردم! من به شما خبری می دهم که اگر به آن عمل کنید، سالم بمانید و اگر آن را ترک کنید، هلاک شوید و آن خبر این است:

به راستی که پسر عمویم، علی، برادر، وزیر و جانشین من است، او از طرف من تبلیغ می کند، او امام پرهیزکاران و پیشوای روسفیدان است؛ اگر از او راهنمایی بخواهید ارشادتان می کند، اگر پیرو او شوید نجات می یابید و اگر مخالفت او کنید گمراه می شوید؛ اطاعت از او اطاعت از خدا ونافرمانی او، نافرمانی خدا است؛ بیعت با او، بیعت با خدا و نقض عهد او، نقض عهد خداست.

به راستی که خداوند متعال قرآن را بر من نازل فرمود و آن همان چیزی است که اگر کسی با آن مخالفت کند، گمراه شود و هر کس دانش آن را از غیر راه علی جست و جو کند هلاک گردد.

ای مردم! گفتار مرا بشنوید، حق اندرز مرا بشناسید و پس از من نسبت به خاندانم، آن گونه که امر کردم عمل کنید و آنان را حفظ نمایید؛ زیرا آن ها در حوزه من و خویشان و برادران و فرزندان من هستند.

شما حتماً در روز قیامت جمع

خواهید شد و در باره قرآن و عترت من بازجویی می شوید، لذا پس از من مواظب باشید که با آن ها چگونه رفتار می کنید؛ آنان خاندان من هستند، هرکس آزارشان دهد مرا آزار داده، هرکس به آن ها ستم کند به من ستم کرده، هرکس خوارشان کند مرا خوار کرده، هرکس عزیزشان کند مرا عزیز داشته، هرکس آن ها را گرامی دارد مرا گرامی داشته، هرکه آن ها را یاری کند مرا یاری کرده، هرکه از یاری آن ها دست بردارد از یاری من دست برداشته و هرکس از غیر آن ها هدایت بخواهد مرا تکذیب کرده است.

ای مردم! از خدا بیم داشته باشید و مواظب باشید که هنگام ملاقات خدا چه خواهید گفت. به راستی که من، دشمن کسی هستم که آن ها را آزار دهد و هرکس من دشمن او باشم با او مخاصمه کنم (و مغلوب و مقهورش سازم).

این گفتار من بود که گفتم و برای خودم و شما از خداوند طلب آمرزش می کنم.

حدیث نهم

مقام و منزلت امام علی علیه السلام و شیعیانش

حدّثنا الحافظ، عن عبد اللّه بن یزید، عن محمّد بن ثواب، عن إسحاق بن منصور، عن کادح البجلی، عن عبد اللّه بن لهیعه، عن عبد الرحمن - یعنی إبن زیاد - عن سلمه بن یسار، عن جابر بن عبد اللّه قال:

لَمّا قَدَمَ عَلِیّ علیه السلام عَلی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه وآله بِفَتْحِ خَیْبَرَ، قَالَ لَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه وآله:

لَوْلا أَنْ تَقُولَ فِیکَ طَوآئِفُ مِنْ أُمَّتِی ما قالَتِ النَّصاری لِلْمَسیحِ عِیسَی بْنِ مَرْیَمَ لَقُلْتُ فِیکَ الْیَوْمَ قَوْلاً لا تَمُرُّ بِمَلاءٍ إِلّا أَخَذُوا التُّرابَ مِنْ تَحْتِ رِجْلَیْکَ وَمِنْ فَضْلِ طَهُورِکَ یَسْتَشْفُونَ بِهِ، وَلکِنْ حَسْبُکَ أَنْ تکُونَ مِنّی وَأَنَا مِنْکَ،

تَرِثُنِی وَأَرِثُکَ، وَأَنَّکَ مِنِّی بِمَنْزِلَهِ هارُونَ مِنْ مُوسی إِلّا أَنَّهُ لا نَبِیَّ بَعْدِی وَأَنَّکَ تُبْرِئُ ذِمَّتِی، وَتُقاتِلُ عَلی سُنَّتِی، وَأَنَّکَ غَداً عَلَی الْحَوْضِ خَلِیفَتِی.

وَأَنَّکَ أَوَّلُ مَنْ یَرِدُ عَلَی الْحَوْضِ، وَأَنَّکَ أَوَّلُ مَنْ یُکْسی مَعِی، وَأَنَّکَ أَوَّلُ داخِلِ الْجَنَّهِ مِنْ أُمَّتِی، وَأَنَّ شِیعَتَکَ عَلی مَنابِرَ مِنْ نُورٍ مُبْیَضَّهً وُجُوهُهُمْ حَوْلِی، أَشْفَعُ لَهُمْ وَیَکُونُوا غَداً فِی الْجَنَّهِ جِیرانِی.

وَأَنَّ حَرْبَکَ حَرْبِی، وَسِلْمَکَ سِلْمِی، وَأَنَّ سِرَّکَ سِرِّی وَعَلانِیَتَکَ عَلانِیَتِی، وَأَنَّ سَرِیرَهَ صَدْرِکَ کَسَرِیرَتِی، وَأَنَّ وَلَدَکَ وَلَدِی.

وَأَنَّکَ تُنْجِزُ عِداتِی، وَأَنَّ الْحَقَّ مَعَکَ، وَأَنَّ الْحَقَّ عَلی لِسانِکَ وَقَلْبِکَ وَبَیْنَ عَیْنَیْکَ، أَلْإِیمانُ مُخالِطٌ لَحْمُکَ وَدَمُکَ کَما خالَطَ لَحْمِی وَدَمِی، وَأَنَّهُ لَنْ یَرِدَ عَلَیَّ الْحَوْضَ مُبْغِضٌ لَکَ وَلَنْ یَغِیبَ عَنْهُ مُحِبٌّ لَکَ حَتّی یَرِدَ الْحَوْضَ مَعَکَ.

قالَ: فَخَرَّ عَلِیٌّ علیه السلام ساجِداً، ثُمَّ قالَ: الْحَمْدُ لِلّهِ الَّذِی أَنْعَمَ عَلَیَّ بِالْإِسْلامِ وَعَلَّمَنِی الْقُرْآنَ وَحَبَّبَنِی إِلی خَیْرِ الْبَرِیَّهِ خاتِمِ النَّبِیِّینَ وَسَیِّدِ الْمُرْسَلِینَ إِحْساناً مِنْهُ وَفَضْلاً مِنْهُ عَلَیَّ.

قالَ: فَقالَ النَّبِیُّ صلی الله علیه وآله: لَوْلا أَنْتَ لَمْ یُعْرَفِ الْمُؤْمِنُونَ بَعْدِی.(۱۷)

جابر بن عبداللّه انصاری می گوید: هنگامی که امام علی علیه السلام مژده فتح خیبر را برای پیامبر خداصلی الله علیه وآله آورد، حضرت به او فرمود:

اگر برخی از امّت من، در مورد تو سخنانی را نمی گفتند آن گونه که نصاری درباره عیسی گفتند، در باره تو چیزهایی می گفتم که مردم، خاک زیر پایت و زیادی آب وضویت را به عنوان شفا می گرفتند. با این حال، همین برای تو کافی است که: تو از من هستی و من از توام؛ تو، وارث منی و من هم وارث تو؛ تو نسبت به من به منزله هارون هستی نسبت به موسی، جز این که بعد از من پیامبری نیست. دَین مرا تو ادا می کنی،

به روش من جنگ می کنی و فردای قیامت بر حوض کوثر خلیفه من می باشی.

تو اوّلین کسی هستی که سر حوض کوثر بر من وارد می شوی. اوّلین کسی هستی که همراه من جامه بر تن می کنی و اوّلین کسی هستی که از اُمّت من وارد بهشت می شوی.

شیعیان تو بر منبرهایی از نور و با روی سفید، در اطراف من باشند و من هم آن ها را شفاعت می کنم و آنان همسایه های من در بهشتند.

جنگ و صلح با تو، جنگ و صلح با من است، راز و سرّ تو، راز و سرّ من است؛ آشکار تو آشکار من و فرزندان تو، فرزندان من هستند.

این تویی که به وعده های من عمل می کنی، همیشه حق با تو بوده و بر زبان تو جاری و در قلب و چشم توست. ایمان با گوشت و خون تو آمیخته است؛ همان گونه که با گوشت و خون من آمیخته است.

هرگز دشمن تو بر حوض کوثر نرسد و دوست تو نیز از آن غایب نمی شود تا این که به همراه تو وارد آن شود.

جابر می گوید: در این هنگام علی علیه السلام بر سجده افتاد و گفت: حمد خدا را که نعمت مسلمانی به من داد، مرا قرآن آموخت و به فضل و احسان خودش مرا محبوب بهترین مردم، آخرین پیامبر و آقای پیامبران قرار داد.

جابر می گوید: آن گاه پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: ای علی! اگر تو نبودی، پس از من مؤمنان شناخته نمی شدند. (۱۸)

حدیث دهم

بشارت به امام زمان علیه السلام

حدّثنا جعفر بن محمّد بن مسرور قال: حدّثنا الحسین بن محمّد بن عامر، عن المعلّی بن محمّد البصریّ، عن جعفر بن سلیمان، عن عبد اللّه الحکم، عن أبیه،

عن سعید بن جبیر، عن عبد اللّه بن عبّاس قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

إنَّ خُلَفآئِی وَأَوْصِیآئِی، وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ بَعْدِی اثْنا عَشَرَ: أَوَّلُهُمْ أَخِی وَآخِرُهُمْ وَلَدِی.

قِیلَ: یا رَسُولَ اللَّهِ! وَمَنْ أَخُوکَ؟

قالَ: عَلِیُّ بْنُ أَبِی طالِبٍ.

قِیلَ: فَمَنْ وَلَدُکَ؟

قالَ: اَلْمَهْدِیُّ الَّذِی یَمْلَأُها قِسْطاً وَعَدْلاً کَما مُلِئَتْ جَوْراً وَظُلْماً. وَالَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِ نَبِیّاً لَوْ لَمْ یَبْقِ مِنَ الدُّنْیا إِلّا یَوْمٌ واحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذلِکَ الْیَوْمَ حَتّی یَخْرُجَ فِیهِ وَلَدِی الْمَهْدِیّ فَیَنْزِلُ رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ فَیُصَلِّی خَلْفَهُ وَتَشْرَقُ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَیَبْلُغُ سُلْطانُهُ الْمَشْرِقَ وَالْمَغْرِبَ.(۱۹)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

همانا جانشینان و اوصیای من و حجّت های الهی بر مردم دوازده نفرند که اوّل آنان برادرم و آخر آن ها فرزندم می باشد.

گفته شد: ای پیامبر خدا! برادرت چه کسی است؟

فرمود: علی بن ابی طالب.

عرض شد: فرزندت چه کسی است؟

فرمود: مهدی؛ همان که زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، چنان که از ظلم و ستم پر شده باشد.

قسم به آن که مرا به پیامبری برانگیخت! اگر از عمر دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد خداوند آن یک روز را آن قدر طولانی کند که فرزندم مهدی ظهور نماید. حضرت مسیح از آسمان نازل شود و پشت سر ایشان نماز گزارد و زمین به نور وجود او روشن شود و حکومتش از شرق تا غرب عالم را فرا گیرد.

حدیث یازدهم

شرافت عقل

عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد بن خالد، عن بعض أصحاب، رفعه قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله:

ما قَسَمَ اللَّهُ لِلْعِبادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ، فَنَوْمُ العاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ سَهَرِ الْجاهِلِ وَاِقامَهُ الْعاقِلِ أَفْضَلُ مِنْ شُخُوصِ الْجاهِلِ، وَلابَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً وَلا رَسُولاً حَتّى يَسْتَكْمِلَ

الْعَقْلَ وَيَكونُ عَقْلُهُ أَفْضَلَ مِنْ جَمِيعِ عُقُولِ أَمَّتِهِ وَما يُضْمِرُ النَّبِیّ فِی نَفْسِهِ أَفْضَلَ مِنْ اجْتِهادِ الْمُجْتَهِدِينَ، وَما أَدَّى الْعَبْدُ فَرائِضَ اللَّهِ حَتّى عَقَلَ عَنْهُ وَلا بَلَغَ جَمِيعَ الْعابِدِينَ فِی فَضْلِ عِبادَتِهِمْ ما بَلَغَ الْعاقِلُ، وَالْعُقَلآءُ هُمْ أُولُوا الْأَلْبابِ، الَّذِينَ قالَ اللَّهُ تَعالى «وَما يَتَذَكَّرُ إِلّا أُولُوا الأَلْبابِ»(۲۰).(۲۱)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

خدا به بندگانش چیزی بهتر از عقل قسمت نکرده، خواب عاقل بهتر از شب بیداری جاهل است و اقامت عاقل بهتر از رنج و زحمت جاهل است برای جهاد.

خدا پیغمبر و رسولی برنینگیخته است تا وقتی که عقل او را کامل کرده و عقلش بهتر از عقل همه امّتش بوده باشد. و پیغمبر در خاطرش چیزی بهتر از اجتهاد مجتهدان نداشت.

هیچ بنده ای فرایض خدا را انجام ندهد تا به عقل خود آن را از وی دریابد، همه عابدان در فضل عبادت به پای عاقل نرسند، و عاقلان همان خردمندان هستند که خداوند متعال درباره آن ها فرموده است: «یاد آور نشوند جز خردمندان».

حدیث دوازدهم

فضیلت علم

محمّد بن الحسن وعلی بن محمّد، عن سهل بن زیاد، ومحمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمّد، جمیعاً عن جعفر بن محمّد الأشعری، عن عبداللّه بن میمون القداح؛ و علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن حماد بن عیسی، عن القداح، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله:

مَنْ سَلَکَ طَرِیقاً يَطْلُبُ فِيهِ عِلْماً سَلَکَ اللَّهُ بِهِ طَرِيقاً إِلَى الْجَنَّهِ وَإِنَّ الْمَلائِكَهُ لَتَضَعُ أَجْنِحَتَها لِطالِبِ الْعِلْمِ رِضاً بِهِ وَإِنَّهُ يَسْتَغْفِرُ لِطالِبِ الْعِلْمِ مَنْ فِی السَّمآءِ وَمَنْ فِی الْأَرْضِ حَتّىَ الْحُوتِ فِی الْبَحْرِ، وَفَضْلُ الْعالِمِ عَلَى الْعابِدِ كَفَضْلِ الْقَمَرِ عَلى سآئِرِ النُّجُومِ لَيْلَهَ الْبَدْرِ، وَإِنَّ الْعُلَمآءَ وَرَثَهُ الْأَنْبِيآءِ، إِنَّ الْأَنَبِيآءَ

لَمْ يُوَرِّثُوا دِيناراً وَلا دِرْهَماً وَلكِنْ وَرَّثُوا الْعِلْمَ، فَمَنْ أَخَذَ مِنْهُ أَخَذَ مِنْهُ بِحَظٍّ وافِرٍ.(۲۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هرکه راهی رود که در آن دانشی جوید، خدا او را به بهشت برساند و به راستی که فرشته ها به نشانه رضایت از طالب علم پرهای خود را در زیر پایش می گشایند.

همانا هرکه در آسمان و زمین است برای طالب علم، آمرزش می خواهد حتی ماهیان دریا.

فضیلت عالم بر عابد، همچون فضیلت ماه است بر ستارگان در شب چهارده، و به راستی که علما وارثان پیامبرانند.(۲۳) البته پیغمبران دینار و درهمی به ارث نگذاشته اند بلکه ارث آن ها همان علم ایشان است که هرکه از آن برگرفت، بهره فراوانی برده است.

حدیث سیزدهم

نماز و عبادت

حدّثنا محمّد بن ابراهیم بن اسحق - رحمه اللَّه - قال: حدّثنا احمد بن محمّد الهمدانی قال: حدّثنا محمّد بن احمد بن صالح بن سعد التمیمی عن ابیه قال: حدّثنا احمد بن هشام قال: حدّثنا منصور بن مجاهد عن الربیع بن بدر، عن سوار بن منیب، عن وهب، عن ابن عباس قال:

قالَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله:

إِنَّ لِلَّهِ تَبارَكَ وَتَعالی مَلَکاً یُسَمّی سَخائِیلُ، یَأْخُذُ الْبَرَواتِ لِلْمُصَلِّینَ عِنْدَ کُلِّ صَلوةٍ مِنْ رَبِّ الْعالَمِینَ - جَلَّ جَلالُهُ -.

فَإِذا أَصْبَحَ الْمُؤمِنُونَ وَقامُوا وَتَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا صَلوةَ الْفَجْرِ، أَخَذَ مِنَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - بَرآءَةً لَهُمْ مَکْتُوبٌ فِیها: أَنَا اللَّهُ الباقِی، عِبادِی وَإِمآئِی! فِی حِرْزِی جَعَلْتُکُمْ، وَفِی حِفْظِی وَتَحْتَ کَنَفِی صَیَّرْتُکُمْ، وَعِزَّتِی لا خَذَلْتُکُمْ، وَأَنْتُمْ مَغْفُورٌ لَکُمْ ذُنُوبَکُمْ إِلَی الظُّهْرِ.

فَإِذا کانَ وَقْتَ الظُّهْرِ فَقامُوا وَتَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا، أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - الْبَرآئَهَ الثّانِیَهَ مَکْتُوبٌ فِیها: أَنَا اللَّهُ الْقادِرُ، عِبادِی وَإِمآئِی! بَدَّلْتُ سَیِّئآتِکُمْ حَسَناتٍ وَغَفَرْتُ لَکُمُ السَّیِّئآتِ وَأَحْلَلْتُکُمْ

بِرِضآئِی عَنْکُمْ دارَ الْجَلالِ.

فَإِذا کانَ وَقْتَ الْعَصْرِ فَقامُوا وَتَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا، أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللّهِ - عَزَّوَجَلَّ - الْبَرآئَهَ الثّالِثَهَ مَکْتُوبٌ فِیها: أَنَا اللّهُ الْجَلِیلُ جَلَّ ذِکْرِی وَعَظُمَ سُلْطانِی. عَبِیدِی وَإِمآئِی! حُرِّمَتْ أَبْدانُکُمْ عَلَی النّارِ وَأَسْکَنْتُکُمْ مَساکِنَ الْأَبْرارِ وَدَفَعْتُ عَنْکُمْ بِرَحْمَتِی شَرَّ الْأَشْرارِ.

فَإِذا کانَ وَقْتَ الْمَغْرِبِ فَقامُوا وَتَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا، أَخَذَ لَهُمْ مِنَ اللّهِ - عَزَّوَجَلَّ - الْبَرآئَهَ الرّابِعَهَ مَکْتُوبٌ فِیها: أَنَا اللّهُ الْجَبّارُ الْکَبِیرُ الْمُتَعالُ. عَبِیدِی وَإِمآئِی! صَعَدَ مَلآئِکَتِی مِنْ عِنْدِکُمْ بِالرِّضا، وَحَقٌّ عَلَیَّ أَنْ أَرْضِیَکُمْ وَأُعْطِیَکُمْ یَوْمَ الْقِیامَهِ مُنْیَتَکُمْ.

فَإِذا کانَ وَقْتَ الْعِشآءِ فَقامُوا وَتَوَضَّؤُوا وَصَلُّوا، أَخَذَ مِنَ اللّهِ - عَزَّوَجَلَّ - لَهُمُ الْبَرآئَهَ الْخامِسَهَ مَکْتُوبٌ فِیها: إِنِّی أَنَا اللّهُ لا إِلهَ غَیْرِی وَلا رَبَّ سِوایَ. عِبادِی وَإِمآئِی! فِی بُیُوتِکُمْ تَطَهَّرْتُمْ وَإِلی بُیُوتِی مَشَیْتُمْ وَفِی ذِکْرِی خُضْتُمْ وَحَقِّی عَرَفْتُمْ وَفَرآئِضِی أَدَّیْتُمْ.

أُشْهِدُکَ یا سَخآئِیلُ وَسآئِرَ مَلآئِکَتِی! إِنِّی قَدْ رَضِیتُ عَنْهُمْ.

قالَ: فَیُنادِی سَخآئِیلُ بِثَلاثَهِ أَصْواتٍ کُلَّ لَیْلَهٍ بَعْدَ صَلوهِ الْعِشآءِ: یا مَلآئِکَهَ اللّهِ! إِنَّ اللّهَ تَبارَکَ وَتَعالی قَدْ غَفَرَ لِلْمُصَلِّینَ الْمُوَحِّدِینَ. فَلایَبْقی مَلَکٌ فِی السَّماواتِ السَّبْعِ إِلّا اسْتَغْفَرَ لِلْمُصَلِّینَ وَدَعا لَهُمْ بِالْمُداوَمَهِ عَلی ذلِکَ.

فَمَنْ رُزِقَ صَلوهَ اللَّیْلِ مِنْ عَبْدٍ أَوْ أَمَهٍ قامَ لِلّهِ - عَزَّوَجَلَّ - مُخْلِصاً فَتَوَضَّأَ وُضُوءاً سابِغاً وَصَلّی لِلّهِ - عَزَّوَجَلَّ - بِنِیَّهٍ صادِقَهٍ وَقَلْبٍ سَلِیمٍ وَبَدَنٍ خاشِعٍ وَعَیْنٍ دامِعَهٍ، جَعَلَ اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالی خَلْفَهُ تِسْعَهَ صُفُوفٍ مِنَ الْمَلآئِکَهِ فِی کُلِّ صَفٍّ ما لایُحْصی عَدَدَهُمْ إِلَّا اللّهُ تَبارَکَ وَتَعالی أَحَدَ طَرَفَیْ کُلِّ صَفٍّ بِالْمَشْرِقِ وَالْآخَرُ بِالْمَغْرِبِ.

قالَ: فَإِذا فَرَغَ، کُتِبَ لَهُ بِعَدَدِهِمْ دَرَجاتٌ.

قالَ مَنْصُورُ: کانَ الرَّبِیعُ بْنُ بَدْرٍ إِذا حَدَّثَ بِهذَا الْحَدِیثِ یَقُولُ: أَیْنَ أَنْتَ یا غافِلُ عَنْ هذَا الْکَرَمِ؟! وَأَیْنَ أَنْتَ عَنْ قِیامِ هذَا اللَّیْلِ وَعَنْ جَزِیلِ هذَا الثَّوابِ وَعَنْ هذَا الْکَرامَهِ؟!(۲۴)

پیامبر اکرم صلی الله

علیه وآله فرمود:

برای خدای تبارک و تعالی فرشته ای است به نام سخائیل که وقت هر نمازی برات [سند و برگه عبور]برای نمازگزاران از خداوند ربّ العالمین دریافت می کند.

صبح که مؤمنان برخیزند و وضو سازند و نماز فجر گزارند، براتی از خدای - عزّوجلّ - برای آن ها بگیرد که در آن نوشته است: منم خدای باقی، ای بنده ها و کنیزهایم! شما را در پناه خود دارم و در حفظ خود و زیر سایه خود گرفتم.

به عزت خودم سوگند که شما را وا نگذارم، بلکه گناهان شما تا ظهر آمرزیده شده است.

و چون ظهر برخیزند و وضو و نماز به جا آرند، برات دومی از خدا برای آن ها بگیرد که نوشته است: منم خدای توانا، ای بندگان و کنیزانم! سیئات شما را بدل به حسنات کردم و سیّئات شما را آمرزیدم و شما را بر رضای خود در دارالجلال وارد کردم.

وقت عصر که به وضو و نماز برخیزند، برات سومی از خدا برای آن ها بگیرد که نوشته است: منم خدای جلیل و با سلطنتی عظیم، ای بندگان و کنیزانم! تن های شما را بر آتش حرام کردم و شما را در مسکن نیکان در آوردم و به رحمت خود، شرّ اشرار را از شما دفع کردم.

وقت نماز مغرب که نماز بخوانند، از خدای - عزّوجلّ - برات چهارمی بگیرد که در آن نوشته است: منم خدای جبّار و کبیر و متعال، ای بندگان و کنیزانم! فرشتگانم با رضایتمندی از طرف شما بالا آمدند، پس بر من حقّ است که شما را خشنود کنم و روز قیامت آرزوی شما را برآورم.

وقت عشا که وضو و نماز به جا

آورنـد، برات پنجمی از خـدای - عزّوجلّ - برای آن ها بگیرد که در آن نوشـته است: به راستی منم خـدایی که جز من معبود حقّی نیست و پروردگـاری جز من نباشـد، ای بنـدگانم و کنیزانم! در خـانه های خود تطهیر کردیـد و به خانه من آمدیـد و در ذکر من اندر شدید و حقّ مرا شناختید و واجبات مرا ادا کردید.

ای سخائیل! تو و سایر فرشتگان را گواه می گیرم که من از آن ها راضی ام.(۲۵)

پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود: سـخائیل هرشب پس از نماز عشا سه بار فریاد برآورد: ای فرشـتگان خدا! به راستی خدای تبارک و تعالی نمازگزاران یگانه پرست را آمرزید.

پس هیچ فرشـته ای در آسـمان های هفت گانه نمی ماند مگر این که برای نمازگزاران اسـتغفار می کند و برای آن ها بر ادامه این عمل دعا نماید.

هر بنـده مؤمنی که برای خـدای - عزّوجـلّ - و از روی اخلاص، موفق به نماز شب شود، و برای خـدا وضوی کامل بگیرد و به نیّت درست و دل سـالم و تن خـاشع و چشم گریان نماز گزارد، خـدای تبارک و تعالی پشت سـرش نُه صف از فرشـتگان قرار دهد که شماره هر صف را جز خدا نداند، ابتدای هر صف در مشرق باشد و انتهای آن در مغرب.

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود: و چون از نماز فارغ شود به شماره آن ها درجه برایش نوشته شود.

منصور که یکی از راویان حـدیث است، می گویـد: وقتی ربیع بن بدر این حدیث را نقل می کرد، می گفت: ای غافل تو کجا و دریافت این کرم الهی کجا؟!

تو کجا و شب خیزی و درک این ثواب جزیل و این کرامت کجا؟!

حدیث چهاردهم

فضیلت عید غدیر

حدّثنا إبن سعید الهاشمی، عن فرات،

عن محمّد بن ظهیر، عن عبد اللَّه بن الفضل، عن الصادق، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

یَوْمُ غَدِیرِ خُم ٍ أَفْضَلُ أَعْیادِ أُمَّتِی وَهُوَ الْیَوْمُ الَّذِی أَمَرَنِیَ اللَّهُ تَعالی ذِکْرُهُ فِیهِ بِنَصْبِ أَخِی عَلِیّ بْنِ أَبِی طالِبٍ، عَلَماً لأُمَّتِی ، یَهْتَدُونَ بِهِ مِنْ بَعْدِی وَهُوَ الْیَوْمُ الَّذِی أَکْمَلَ اللَّهُ فِیهِ الدِّینُ وَأَتَمَّ عَلی أُمَّتِی فِیهِ النِّعْمَهَ وَرَضِیَ لَهُمُ الْإِسْلامَ دِیناً.(۲۶)

امام صادق از پدران بزرگوارش علیهم السلام نقل می کند که پیامبر خداصلی الله علیه وآله فرمود:

بهترین عید امّت من، عید غدیر خم است، و آن روزی است که خدای تعالی به من فرمان داد، برادرم، علی علیه السلام را به امامت نصب کنم تا مردم پس از من به وسیله او هدایت گردند، و آن همان روزی است که خداوند در آن دین را کامل و نعمت را بر امّت من تمام کرد و دین اسلام را برای آن ها پسندید.

حدیث پانزدهم

مشورت با عاقل خیرخواه

وعن ابی عبداللَّه الجامورانی، عن الحسن بن علی، عن سیف بن عمیره، عن منصور بن حازم، عن ابی عبداللَّه علیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

مُشاوَرَهُ الْعاقِلِ النّاصِحِ رُشْدٌ وَ یُمْنٌ وَ تَوْفِیقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذا أَشارَ عَلَیْکَ النّاصِحُ الْعاقِلُ فَإِیّاکَ وَالخلافَ فَإِنَّ فِی ذلِکَ الْعَطَبَ.(۲۷)

پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه وآله فرمودند:

مشورت با شخص عاقل که خیرخواه تو باشد، موجب راهنمایی و برکت توست و این توفیقی از جانب خداوند متعال است.

پس هرگاه چنین شخص عاقل و ناصحی، تو را مشورت داد، مبادا با او مخالفت کنی، که در این صورت رنج و دردسر برای توست.

حدیث شانزدهم

حقوق برادر مسلمان

محمّد بن علی الکراجکی (فی کنز الفوائد)، عن الحسین محمّد بن علی الصیرفی، عن محمّد بن علی الجعابی، عن القاسم بن محمّد بن جعفر العلوی، عن ابیه عن علی علیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

لِلْمُسْلِمِ عَلى أَخِيهِ ثَلاثُونَ حَقّاً لا بَراءَةَ لَهُ مِنْها إلّا بِالأَداءِ أَوِ الْعَفْوِ: يَغْفِرُ زَلَّتَهُ وَيَرْحَمُ عَبْرَتَهُ، وَيَسْتُرُ عَوْرَتَهُ، وَيُقِيلُ عَثْرَتَهُ، وَيَقْبَلُ مَعْذِرَتَهُ وَيَرُدُّ غِيبَتَهُ، وَيُدِيمُ نَصِيحَتَهُ، وَيَحْفَظُ خُلَّتَهُ، وَيَرْعى ذِمَّتَهُ، وَيَعُودُ مَرضَتَهُ، وَيَشْهَدُ مَيْتَتَهُ، وَيُجِيبُ دَعْوَتَهُ، وَيَقْبَلُ هَدِيتَهُ، وَيُكافِيءُ صِلَتَهُ، وَيَشْكُرُ نِعْمَتَهُ وَيَحْسُنُ نُصْرَتَهُ، وَيَحْفَظُ حَلِيلَتَهُ، وَيَقْضِي حاجَتَهُ، وَيَشْفَعُ مَسْأَلَتَهُ، وَيُسَمِّتُ عَطْسَتَهُ، وَيُرْشِدُ ضالَّتَهُ، وَيَرُدُّ سَلامَهُ، وَيُطِيبُ كَلامَهُ، وَيَبِرُّ إنْعامَهُ، وَيُصَدِّقُ أَقْسامَهُ، وَيُوالِي وَلِيَّهُ وَلايُعادِ، وَيَنْصُرُهُ ظالِماً وَمَظْلُوماً؛ فَأَمّا نُصْرَتُهُ ظالِماً فَيَرُدُّهُ عَنْ ظُلْمِهِ وَأَمّا نُصْرَتُهُ مَظْلُوماً فَيُعِينُهُ عَلى أَخْذِ حَقِّهِ، وَلايَسْلِمُهُ وَلايَخْذُلُهُ وَيُحِبُّ لَهُ مِنَ الْخَيْرِ ما يُحِبُّ لِنَفْسِهِ وَيَكْرَهُ مِنَ الشَّرِّ ما يَكْرَهُ لِنَفْسِهِ.

ثُمَّ قالَ عليه السلام: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صلى الله عليه وآله يَقُولُ:

إنّ أَحَدَكُمْ لَيَدَعُ مِنْ حُقُوقِ أَخِيهِ شَيْئاً فَيُطالِبُهُ بِهِ يَوْمَ الْقِيامَهِ فَيُقْضى

لَهُ وَعَلَیهِ.(۲۸)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هر مسلمانی به گردن برادر مسلمانش ۳۰ حق دارد که از آن خلاص نمی شود مگر به ادا کردن یا گذشت صاحب آن حق. [و اما آن ۳۰ حق عبارت است از:]

۱) لغزش او را ببخشد ۲) در ناراحتی ها و اندوه نسبت به او مهربان باشد. ۳) عیب و اسرار او را بپوشاند. ۴) از اشتباه او درگذرد. ۵) معذرت خواهی او را بپذیرد ۶) هنگام غیبت کردن دیگران از او دفاع کند. ۷) همیشه خیرخواه و ناصح او باشد. ۸) دوستی او را پاسداری کند. ۹) پیمان و امان او را مراعات کند. ۱۰) هنگام بیماری از او عیادت کند. ۱۱) به تشییع جنازه او حاضر شود. ۱۲) دعوت او را اجابت کند. ۱۳) هدیه او را قبول نماید. ۱۴) هدیه و جایزه اش را تلافی کند. ۱۵) نعمت او را سپاس گزار باشد. ۱۶) در یاری او بکوشد. ۱۷) از خانواده و ناموس او حفاظت کند. ۱۸) حاجت او را برآورد. ۱۹) برای رفع مشکلش از دیگران کمک بخواهد. ۲۰) بعد از عطسه کردن او را دعا و تهیت بگوید.(۲۹) ۲۱) در پیدا کردن گم شده اش او را یاری نماید. ۲۲) سلامش را جواب دهد ۲۳) با او خوش کلام باشد و گفته او را نیکو شمارد. ۲۴) انعام او نیکو قرار دهد. ۲۵) سوگندش را راست بداند. ۲۶) دوستش را دوست بداند و با او دشمنی نکند ۲۷) یاری گرش باشد؛ چه ظالم است چه مظلوم؛ اگر ظالم است او را از ظلم باز دارد. و اگر مظلوم است کمک کند تا حقش را باز ستاند.

۲۸) او را در برابر

حوادث تنها نگـذارد تا خوار شود. ۲۹) هرچه از خیر و نیکی برای خودش می خواهـد برای برادر مسـلمانش نیز بخواهـد. ۳۰) هرچه از شر و بدی که برای خودش دوست ندارد برای او نیز دوست نداشته باشد.

سپس امام علی علیه السلام فرمود: از رسول خداصلی الله علیه وآله شنیدم که می فرمود:

همانا یکی از شـما که حق برادر مسـلمانش را رها کرده و ادا ننموده است در روز قیامت آن برادر مسلمان حقش را مطالبه می کند ولی چون جوابی ندارد به نفع او و بر علیه این حکم داده خواهد شد.

حدیث هفدهم

استفاده از فرصت ها

محمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمّد، عن علیّ بن النعمان، عن حمزه بن حمران قال: سمعت أبا عبداللّه علیه السلام یقول:

إِنّ مِمّا حُفِظَ مِنْ خُطَبِ النَّبِیّ صلی الله علیه وآله أَنَّهُ قالَ:

یا أَیُّهَا النّاسُ! إِنَّ لَکُمْ مَعالِمَ فَانْتَهُوا إِلی مَعالِمِکُمْ وَإِنَّ لَکُمْ نِهایَهً فَانْتَهُوا إِلی نِهایَتِکُمْ.

أَلا إِنَّ الْمُؤْمِنَ یَعْمَلُ بَیْنَ مَخافَتَیْنِ: بَیْنَ أَجَلٍ قَدْ مَضـی لایَدْرِی مَا اللَّهُ صانِعٌ فِیهِ وَبَیْنَ أَجَلٍ قَدْ بَقِیَ لایَدْرِی مَااللَّهُ قاضٍ فِیهِ، فَلْیَأْخُذِ الْعَبْـدُ الْمُؤْمِنُ مِنْ نَفْسِهِ لِنَفْسِهِ وَمِنْ دُنْیـاهُ لآخِرَتِهِ وَفِی الشَّبِیبَهِ قَبْلَ الْکِبَرِ وَفِی الْحَیاهِ قَبْلَ الْمَماتِ. فَوَالَّذِی نَفْسَ مُحَمَّدٍ بِیَـدِهِ ما بَعْدَ الدُّنْیا مِنْ مُسْتَعْتِبٍ وَما بَعْدَها مِنْ دارٍ إِلَّا الْجَنَّهِ أَوِ النّارِ.(۳۰)

از سخنرانی های پیغمبرصلی الله علیه وآله که ضبط شده این است که فرمود:

ای مردم! شما را نشانه هایی است، به نشانه های خود برسید. و نیز به راستی برای شما پایانی است، به پایان خود برسید.

آگاه باشـید! مؤمن میان دو ترس کار می کنـد: میان عمر گذشـته ای که ندانـد خـدا در آن، چه کنـد و میان عمر مانده ای که نداند خدا برای او در آن، چه چیز

مقدّر کرده است.

بنـده مؤمن می بـایست از خـود برای خـود تـوشه برگیرد، از دنیـایش برای دیگر سـرایش و از جوانی اش برای پیری (از ریش سفیدش برای سالخوردگی) و برای زندگی اش پیش از مردن.

پس قسم به آن که جان محمّد به دست او است، پس از دنیا جای عذر خواهی و تلافی نیست و پس از آن خانه ای نیست جز بهشت و دوزخ.

حدیث هجدهم

روزی حلال خود را حرام نکنید

عـده من أصـحابنا، عن أحمـد بن محمّد، عن ابن فضال، عن عاصم بن حمید، عن أبی حمزه الثمالیّ، عن أبی جعفرعلیه السـلام قال:

خَطَبَ رَسُولُ اللَّه صلی الله علیه وآله فِی حَجَّهِ الْوِداعِ فَقالَ:

یـا أَیُّهَا النّاسُ! وَاللَّهِ مـا مِنْ شَـیْ ءٍ یُقَرِّبُکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ وَیُباعِدُکُمْ مِنَ النّارِ إِلاّ وَقَدْ أَمَرْتُکُمْ بِهِ، وَما مِنْ شَـیْ ءٍ یُقَرِّبُکُمْ مِنَ النّارِ وَیُباعِدُکُمْ مِنَ الْجَنَّهِ إِلاّ وَقَدْ نَهَیْتُکُمْ عَنْهُ.

أَلا وَإِنَّ الرُّوحَ الاَمِینَ نَفَثَ فِی رَوْعِی أَنَّهُ لَنْ تَمُوتَ نَفْسٌ حَتّی تَسْتَکْمِلَ رِزْقَها، فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَجْمِلُوا فِی الطَّلَبِ، وَلایَحْمِل أَحَدَکُمْ اسْتِبْطاءُ شَیْ ءٍ مِنَ الرِّزْقِ أَنْ یَطْلُبَهُ بِغَیْرِ حِلِّهِ، فَإِنَّهُ لایُدْرَکُ ما عِنْدَ اللَّهِ إِلاّ بِطاعَتِهِ.(۳۱)

رسول خداصلی الله علیه وآله در سخنرانی حجه الوداع فرمود:

ای مردم! به خـدا هیـچ چیزی نیست که شـما را به بهشت نزدیک و از دوزخ دور کنـد جز آن که شـما را به آن فرمان دادم. و هیچ چیزی نیست که شما را به دوزخ نزدیک و از بهشت دور کند، جز آن که شما را از آن نهی کردم.

آگـاه باشـید! همانا که روح الأمین در دلم افکنـد که هیـچ جان داری نمی میرد تا روزیِ خود را کاملاً بگیرد، بنابراین از خـدا بپرهیزید و در جستن رزق و روزی، آرامی کنید پس اگر روزیِ

یکی از شما دیرتر رسد او را وادار نسازد که از راه نامشروع و حرام بجوید؛ زیرا آنچه نزد خدا است جز به طاعت او دریافت نشود.

حدیث نوزدهم

اقسام صبر

محمّد بن یحیی عن، أحمد بن محمّد بن عیسی قال: أخبرنی یحیی بن سلیم الطائفی قال: أخبرنی عمرو بن شمر الیمانی، یرفع الحدیث إلی علیّ علیه السلام، قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

اَلصَّبْرُ ثَلاثَةٌ: صَبْرٌ عِنْدَ الْمُصیبَةِ وَصَبْرٌ عَلَی الطّاعَةِ وَصَبْرٌ عَنِ الْمَعْصِیَةِ؛ فَمَنْ صَبَرَ عَلَی الْمُصیبَةِ حَتّی یَرُدّها بِحُسْنِ عَزآئِها کَتَبَ اللَّهُ لَهُ ثَلاثُمِائَهَ دَرَجهٍ ما بَیْنَ الدَّرَجهِ إلَی الدَّرَجهِ کَما بَیْنَ السَّمآءِ إلَی الْأَرْضِ.

وَمَنْ صَبَرَ عَلَی الطّاعَةِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ سِتَّمائَهَ دَرَجَهً ما بَیْنَ الدَّرَجهِ إلَی الدَّرَجهِ کَما بَیْنَ تُخُومِ الْأَرْضِ إلَی الْعَرْشِ.

وَمَنْ صَبَرَ عَنِ الْمَعْصِیَهِ کَتَبَ اللَّهُ لَهُ تِسْعَمِائَهَ دَرَجَهِ ما بَیْنَ الدَّرَجهِ إلَی الدَّرَجهِ کَما بَیْنَ تُخُومِ الْأَرْضِ إلی مُنْتَهَی الْعَرْشِ.(۳۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

صبر بر سه قسم است: صبر هنگام مصیبت و صبر برای طاعت خدا و صبر در مقابل گناه کردن.

هرکه در موقع مصیبت صبر کند تا آن را به تسلّی خوبی جواب گوید، خدا برایش سیصد درجه نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر به مانند فاصله میان آسمان تا زمین است.

و هرکه برای طاعت و عبادت خداوند صبر کند، خدا برایش ششصد درجه نویسد که میان هر درجه ای تا درجه دیگر از عمق زمین تا عرش است.

و هر که بر معصیت خداوند صبر کند(و آن را انجام ندهد)، خدا برایش نهصد درجه نویسد که میان هر درجه تا درجه دیگر از عمق زمین تا نهایت عرش باشد.

حدیث بیستم

نقل و قرائت حدیث

محمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمّد، عن عبداللَّه بن محمّد الحجال، عن بعض أصحابه، رفعه قال:

قال رسول اللّٰه صلى الله عليه وآله:

تَذاكَرُوا وَتَلاقُوا وَتُحَدِّثُوا فَإِنَّ الحَدِيثَ جَلآءٌ لِلْقُلُوبِ، إِنَّ الْقُلُوبَ لَتَرِينُ كَما يَرِينُ السَّيفُ

وَجلاَؤُهَا الحَدِيثُ.(۳۳)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

علم را مورد مـذاکره قرار دهیـد، باهم ملاقات کنیـد و احادیث را بازگو نماییـد؛ زیرا حدیث وسیله زلال کردن دل های زنگ زده است. به راستی که دل هـا زنـگ می گیرد چنـان که شمشـیر زنـگ گیرد و زلال کردن دل هـا و جلای آن ها به حـدیث گفتن است.(۳۴)

حدیث بیست و یکم

بهترین ها و بدترین ها

حـدّثنا علی بن عبـداللّه الوراق قال: حـدّثنا سـعد بن عبـداللّه، عن إبراهیم بن مهزیار، عن أخیه علی، عن الحسـین بن سـعید، عن الحرث بن محمّد بن النعمان الأحوال صاحب الطاق، عن جمیل بن صالح، عن ابی عبداللّه الصادق، عن آبائه علیهم السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

مَنْ أَحَبَّ أَنْ یَکُونَ أَکْرَمَ النّاسِ فَلْیَتَّقِ اللّهَ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ یَکُونَ أَتْقَی النّاسِ فَلْیَتَوَکَّلْ عَلَی اللّهِ وَمَنْ أَحَبَّ أَنْ یَکُونَ أَغْنَی النّاسِ فَلْیَکُنْ بِما عِنْدَ اللّهِ – عَزَّوَجَلَّ – أَوْثَقُ مِنْهُ بِما فِی یَدِهِ.

ثُمَّ قال صلی الله علیه وآله: أَلا أُنَبِّئُکُمْ بِشَرِّ النّاسِ؟

قالُوا: بَلی یا رَسُولَ اللّهِ!

قالَ: مَنْ أَبْغَضَ النّاسَ وَأَبْغَضَهُ النّاسُ.

ثُمَّ قالَ: أَلا أُنَبِّئُکُمْ بِشَرٍّ مِنْ هذا؟

قالُوا: بَلی یا رَسُولَ اللّهِ.

قالَ: اَلَّذِی لایُقِیلُ عَثْرَهً وَلایَقْبَلُ مَعْذِرَهً وَلایَغْفِرُ ذَنْباً.

ثُمَّ قالَ: أَلا أُنَبِّئُکُمْ بِشَرٍّ مِنْ هذا؟

قالُوا: بَلی یا رَسُولَ اللّهِ.

قالَ: مَنْ لایُؤْمَنُ شَرُّهُ وَلا یُرْجی خَیْرُهُ.

أَنَّ عِیسَـی بْنَ مَرْیَم علیهمـا السـلام قامَ فِی بَنِی اِسْرآئِیلَ، فَقالَ: یا بَنِی اِسْـرآئِیلَ! لاتُحَـدِّثُوا بِالْحِکْمَهِ الْجُهّالَ فَتَظْلِمُوها وَلاتَمْنَعُوها

أَهْلَها فَتَظْلِمُوهُمْ وَلاتُعِينُوا الظّالِمَ عَلى ظُلْمِهِ فَيَبْطُلْ فَضْلَكَمْ.

الأُمُورُ ثَلاثَةٌ: أَمْرٌ تَبَيَّنَ لَکَ رُشْدُهُ فَاتَّبِعْهُ وَأَمْرٌ تَبَيَّنَ لَکَ غَيُّهُ فَاجْتَنِبْهُ وَأَمْرٌ أُخْتُلِفَ فِيهِ فَرُدَّهُ إِلَى اللّهِ – عَزَّوَجَلَّ – .(۳۵)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هرکه دوست دارد گرامی ترین مردم باشد باید از خدا بپرهیزد(۳۶) و هرکه دوست دارد پرهیزکارترین مردم باشد باید بر خدا توکل کند

و هرکه دوست دارد غنی ترین مردم باشد باید بدانچه نزد خداست بیشتر اعتماد داشته باشد از آنچه در دست خودش می باشد.

سپس فرمود: آیا شما را آگاه کنم به بدترین مردم؟

گفتند: بفرمایید، یا رسول اللّه.

فرمود: کسی که مردم را دشمن می دارد و مردم نیز او را دشمن می دارند.

سپس فرمود: آیا شما را آگاه نکنم به بدتر از این؟

گفتند: آری یا رسول اللّه.

فرمود: آن که از لغزش کسی نگذرد و عذر کسی را نپذیرد و گناهی را نیامرزد.

سپس فرمود: آیا شما را آگاه نکنم به بدتر از آن؟

گفتند: بله یا رسول اللّه.

فرمود: آن که دیگران از شرش آسوده نباشند و امید به خیرش نباشد.

به راستی عیسی بن مریم در بنی اسرائیل به پا خاست و فرمود: ای بنی اسرائیل! حکمت را به نادانان نیاموزید که موجب ظلم به حکمت است و از اهلش نیز دریغ مدارید که موجب ظلم به آن ها است. و به ستمکار کمک نکنید در ستم او، که موجب بطلان فضل شماست.

امور سه گونه است: امری که رهیابی [خیر و صواب]آن بر تو آشکار است پس پیرو آن باش و امری که گمراهی اش بر تو آشکار است پس از آن کناره بگیر و امری که مورد اختلاف است، آن را به خدای - عزّوجلّ - برگردان.

حدیث بیست و دوم

دوست یابی برای خدا

عن احمد بن ابی عبداللّه، عن محمّد بن علیّ، عن عمر بن جبله الأحمسیّ، عن أبی الجارود، عن أبی جعفرعلیه السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

اَلْمُتَحابُّونَ فِی اللّهِ یَوْمَ الْقِیامَهِ عَلی أَرْضِ زَبَرْجَدَهٍ خَضْرآءَ فِی ظِلِّ عَرْشِهِ عَنْ یَمِینِهِ - وَکِلْتا یَدَیْهِ یَمِینٌ - وُجُوهُهُمْ أَشَدُّ بَیاضاً وَأَضْوَءُ مِنَ الشَّمْسِ الطّالِعَهِ، یَغْبِطُهُمْ بِمَنْزِلَتِهِمْ کُلُّ مَلَکٍ

مُقَرَّبٍ وَكُلَّ نَبِيٍّ مُرْسَلٍ.

يَقُولُ النّاسُ: مَنْ هؤُلآءِ؟

فَيُقالُ: هؤُلآءِ الْمُتَحابُّونَ فِی اللَّهِ.(۳۷)

پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرمود:

کسانی که برای خدا با همدیگر دوستی و رفاقت می کنند، روز قیامت بر روی یک زمین از زبرجد سبز در سایه عرش خدا و در سمت راست آن خواهند بود؛ البته هر دو دست خدا، راست است. چهره های آنان از آفتاب تابان سپیدتر و روشن تر است، به مقام و منزلت آن ها هر فرشته مقرّب و هر پیغمبر مرسل غبطه می خورند.

مردم می گویند: اینان چه کسانی اند؟

گفته می شود: آنان کسانی اند که برای خدا با یکدیگر دوستی و رفاقت داشته اند.

حدیث بیست و سوم

صله رحم

عن محمّد بن یحیی، عن الحسن بن محبوب، عن عمرو بن أبی المقدام، عن جابر، عن أبی جعفرعلیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

أُوصِی الشّاهِدَ مِنْ أُمَّتِی وَالْغائِبَ مِنْهُمْ وَمَنْ فِی أَصْلابِ الرِّجالِ وَأَرْحامِ النِّسآءِ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ أَنْ یَصِلَ الرَّحِمَ وَإِنْ کانَتْ مِنْهُ عَلی مَسِیرَهِ سَنَهٍ، فَإِنَّ ذلِکَ مِنَ الدِّینِ.(۳۸)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

به هر یک از حاضر و غایب امّتم، و تمام آن ها که در پشت مردان و رحم زنان هستند، تا قیامت سفارش می کنم که صله رحم کنند؛ اگرچه تا یک سال راه از او دور باشند؛ زیرا این کار از شرایط دیانت است.

حدیث بیست و چهارم

شاد کردن مؤمن

محمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمّد، عن علیّ بن الحکم، عن مالک بن عطیّه، عن أبی عبداللَّه علیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

أَحَبُّ الْأَعْمالِ إِلَى اللَّهِ سُرُورُ [الَّذِی تُدْخِلُهُ عَلَی الْمُؤْمِنِ: تَطْرُدُ عَنْهُ جُوعَتَهُ، أَوْ تَكْشِفُ عَنْهُ كُرْبَتَهُ.(۳۹)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

محبوب ترین کارها نزد خداوند متعال، شاد کردن قلب مؤمن است به این که گرسنگی را از او برانی و سیرش نمایی یا گرفتاری و مشکلش را از او بگردانی.

حدیث بیست و پنجم

کمک کردن به مؤمن

علی بن إبراهیم، عن أبیه، عن النوفلیّ، عن السکونّی، عن أبی عبداللّه علیه السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

مَنْ أَعانَ مُؤْمِناً، نَفَّسَ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - عَنْهُ ثَلاثاً وَسَبْعِینَ كُرْبَةً: واحِدَةً فِی الدُّنْیا وَثِنَتَیْنِ وَسَبْعِینَ كُرْبَةً عِنْدَ كُرَبِهِ الْعُظْمی

قالَ: حَیْثُ یَتَشاغَلُ النّاسُ بِأَنْفُسِهِمْ.(۴۰)

امام صادق از قول رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هرکه به مؤمنی کمک کند، خدای - عزّوجلّ - هفتاد و سه گرفتاری را از او برطرف نماید، یک گرفتاری در دنیا و هفتاد و دو گرفتاری دیگر هنگام گرفتاری بزرگ او.

فرمود: آنجا که همه مردم به [گرفتاری خود مشغول می باشند.

حدیث بیست و ششم

عُجب، دامگاه شیطان

علیّ بن ابراهیم، عن محمّد بن عیسی بن عبید، عن یونس، عن بعض أصحابه، عن أبی عبداللّهِ علیه السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

بَیْنَما مُوسی علیه السلام جالِساً إِذْ أَقْبَلَ إِبْلِیسُ وَعَلَیْهِ بُرْنُسٌ ذُوأَلْوانٍ، فَلَمّا دَنا مِنْ مُوسی علیه السلام خَلَعَ الْبُرْنُسَ وَقامَ إِلی مُوسی فَسَلَّمَ عَلَیْهِ.

فَقالَ لَهُ مُوسی مَنْ أَنْتَ؟

فَقالَ: أَنَا إِبْلِيسُ.

قالَ: أَنْتَ؟! فَلا قَرَّبَ اللَّهُ دارَكَ.

قالَ: إِنِّى إِنَّما جِئْتُ لِأُسَلِّمَ عَلَيْكَ لِمَكانِكَ مِنَ اللَّهِ.

قالَ صلى الله عليه وآله: فَقالَ لَهُ مُوسى عليه السلام: فَما هذَا الْبُرْنُسُ؟

قالَ: بِهِ أَخْتَطِفُ قُلُوبَ بَنِى آدَمَ.

فَقالَ مُوسى فَأَخْبِرْنِى بِالذَّنْبِ الَّذِى إِذا أَذْنَبَهُ ابْنُ آدَمَ اسْتَحْوَذْتَ عَلَيْهِ؟

قالَ: إِذا أَعْجَبَتْهُ نَفْسُهُ وَاسْتَكْثَرَ عَمَلَهُ وَصَغُرَ فِى عَيْنِهِ ذَنْبُهُ.

وَقالَ: قالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِداوُدعليه السلام: يا داوُدُ! بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ وَأَنْذِرِ الصِّدِّيقِينَ.

قالَ: كَيْفَ أُبَشِّرُ الْمُذْنِبِينَ وَأُنْذِرُ الصِّدِّقِينَ؟

قالَ: يا داوُدُ! بَشِّرِ الْمُذْنِبِينَ أَنِّى أَقْبَلُ التَّوْبَةَ وَأَعْفُو عَنِ الذَّنْبِ، وَأَنْذِرِ الصِّدِّيقِينَ أَلّا يُعْجِبُوا بِأَعْمالِهِمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَبْدٌ أَنْصبُهُ لِلْحِسابِ إِلّا هَلَكَ.(۴۱)

رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود:

در يک موقعى که موسى عليه السلام نشسته بود، ناگاه شيطان نمايان شد که کلاه رنگارنگى

بر سـرداشت و چون نزدیک موسـی علیه السـلام رسـید، کلاه خود را از سر برداشت و نزد موسی ایستاد و به آن حضرت سلام داد.

موسی گفت: تو کیستی؟

او پاسخ گفت: من ابلیسم.

گفت: تویی!؟ خدا تو را به کسی نزدیک نسازد.

گفت: من آمدم به شما سلام کنم، به خاطر مقامی که نزد خدا داری.

پیامبرصلی الله علیه وآله فرمود: موسی به او گفت: این کلاه چیست؟

ابلیس گفت: با آن دل مردم را می ربایم.

موسی به او گفت: به من خبر ده از گناهی که چون آدمی زاده انجام دهد، تو بر او مسلّط می شوی؟

پاسخ داد: زمانی که خودبین شود و کار خود را فزون شمارد و گناهش در چشم او کوچک جلوه کند.

پیامبر خداصـلی الله علیه وآله فرمود: خدای - عزّوجلّ - به داوودعلیه السـلام وحی فرمود: ای داوود! گنهکاران را مژده بده، و صدّیقان را بیم بده!

عرض کرد: چگونه به گنهکاران، مژده بدهم و به صدّیقان بیم بدهم؟

خداونـد متعال فرمود: ای داوود! به گنهکاران مژده بده که من توبه پذیرم و از گناه درگذرم، و به صدّیقان بیم بده که مبادا به کردار خود عُجب کنند و خودبین شوند؛ زیرا من هیچ بنده ای را پای میز حساب نکشم جز آن که هلاک شود.

حدیث بیست و هفتم

انسان بدزبان بی حیا

عـده من أصـحابنا، عن أحمد بن محمّد بن خالد، عن عثمان بن عیسـی عن عمر بن أذینه، عن أبان بن أبی عیاش، عن سـلیم بن قیس، عن أمیرالمؤمنین علیه السلام قال:

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

إِنَّ اللّهَ حَرَّمَ الْجَنَّهَ عَلی کُـلِّ فَحّـاشٍ بَـذِیٍ ء قَلِیـلِ الْحَیـآءِ، لایُبالِی ما قالَ وَلا قِیلَ لَهُ، فَإِنَّکَ إِنْ فَتَّشْـتَهُ لَمْ تَجِـدْهُ إِلّا لِغَیِّهٍ أَوْ شِـرْکِ شَیْطانٍ.

فَقِيلَ: يا رَسُولَ اللَّهِ! وَفِى النّاسِ

شِرْكُ شَيْطانٍ؟

فَقالَ رَسُولُ اللَّه صلى الله عليه وآله: أَما تَقْرَأُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَشَارِكْهُمْ فِی الأَمْوالِ وَالأَوْلادِ»؟(۴۲)

از اميرالمؤمنين عليه السلام است که رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود:

به راستی خدا حرام کرده است بهشت را به هر فحّاش بی آبرو و کم شرم که باک ندارد چه بگويد و چه به او گفته شود؛ زيرا به راستی اگر از او بازرسی کنی يا از زنا است و يا شيطان در او شريک شده است.

عرض شد: يا رسول اللّه! در ميان مردم هم شرک شيطان هست؟

رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود: آيا گفته خداوند - عزّوجلّ - را نخواندی که فرموده است:(۴۳) «و تو ای شيطان شريک آن ها باش در دارايی و فرزندان».(۴۴)

حديث بيست و هشتم

نتيجه خداخواهی و هوی خواهی

عده من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد بن خالد، عن أبيه، عن عبداللَّه بن القاسم، عن أبی حمزه عن أبی جعفرعليه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلى الله عليه وآله:

يَقُولُ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ -: وَعِزَّتِی وَجَلالِی وَعَظَمَتِی وَكِبْريائِی وَنُورِی وَعُلُوِّی وَارْتِفاعِ مَكانِی، لايُؤثِرُ عَبْدٌ هَواهُ عَلى هَوایَ إِلّا شَتَّتُّ عَلَيْهِ أَمْرَهُ وَلَبَسْتُ عَلَيْهِ دُنْياهُ وَشَغَلْتُ قَلْبَهُ بِها وَلَمْ أُوتِهِ مِنْها إِلّا ما قَدَّرْتُ لَهُ.

وَعِزَّتِی وَجَلالِی وَعَظَمَتِی وَنُورِی وَعُلُوِّی وَارْتِفاعِ مَكانِی، لايُؤْثِرُ عَبْدٌ هَوایَ عَلى هَواهُ إِلَّا اسْتَحْفَظَتْهُ مَلآئِكَتِی وَكَفَّلْتُ السَّماواتِ وَالْأَرَضِينَ رِزْقَهُ وَكُنْتُ لَهُ مِنْ وَرآءِ تجارَهِ كُلِّ تاجِرٍ وَأَتَتْهُ الدُّنْيا وَهِیَ راغِمَهٌ.(۴۵)

رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود:

خداوند - عزّوجلّ - می فرمايد: به عزت و جلال خودم قسم، به بزرگی و کبريايی ام قسم و به نور و برتری و مقام بلندم سوگند! هيچ بنده ای خواسته خود را بر خواسته من ترجيح ندهد، جز آن که کارش را پريشان کنم و دنيايش را در هم

سازم و دلش را بدان سرگرم نمایم و از دنیا به او ندهم جز همان مقدار که مقدّر او کرده ام.

همچنین به عزت و جلال و عظمت خودم قسم، به نور و برتری و مقام بلنـدم سوگنـد! هیـچ بنده ای خواست مرا بر دلخواه خود مقدم ندارد جز آن که فرشته های من او را حفظ و حمایت کنند و آسمان ها و زمین را کفیل روزی او سازم و از پس تجارت و بهره جویی هرتاجری، من پشتیبان او باشم و دنیا هم با همه دارایی اش [با خواری و فروتنی به آستان بوسی او آید.(۴۶)

حدیث بیست و نهم

قهر کردن دو مسلمان

محمّد بن یحیی، عن أحمد بن محمّد، عن محمّد بن سنان، عن أبی سعید القمّاط، عن داود بن کثیر قال: سمعت أبا عبداللَّه علیه السلام یقول: قال أبی علیه السلام:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

أَیُّما مُسْلِمَیْنِ تَهاجَرا فَمَکَثا ثَلاثاً لایَصْطَلِحانِ إِلّا کانا خارِجَیْنِ مِنَ الْإِسْلامِ وَلَمْ یَکُنْ بَیْنَهُما وِلایَهٌ، فَأَیُّهُما سَبَقَ إِلی کَلامِ أَخِیهِ کانَ السّابِقُ إِلَی الْجَنَّهِ یَوْمَ الْحِسابِ.(۴۷)

امام صادق علیه السلام از قول پدرش فرمود که رسول خداصلی الله علیه وآله فرموده است:

اگر دو نفر مسلمان بـا هم قهر کننـد و سه روز بر آن حـال بماننـد و صـلح نکننـد، هر دو از اسـلام خـارج باشـند و میان آن ها پیوست دینی نباشـد. پس هرکـدام پیشـی گیرد به سـخن گفتن بـا برادر مسـلمان خود، اوست که روز قیـامت و هنگـام حساب زودتر به بهشت داخل خواهد شد.

حدیث سی ام

چه کسی بوی بهشت را هم استشمام نمی کند؟

عن احمد بن محمّد بن خالد، عن محمّد بن علیّ، عن محمّد بن فرات، عن أبی جعفرعلیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله فِی کلام له:

إِیّاکُمْ وَعُقُوقَ الْوالِدَیْنِ فَإِنَّ رِیحَ الْجَنَّهِ تُوجَدُ مِنْ مَسِیرَهِ أَلْفَ عامٍ وَلا یَجِدُها عاقٌّ وَلا قاطِعُ رَحِمٍ وَلا شَیْخٌ زانٍ وَلا جارٌّ إِزارِهِ خُیَلاءَ، إِنَّمَا الْکِبْرِیاءُ لِلَّهِ رَبِّ الْعالَمِینَ.(۴۸)

از امام باقرعلیه السلام نقل است که رسول خداصلی الله علیه وآله در ضمن سخنان خود فرمود:

بپرهیزیـد از عـاق پـدر و مـادر، زیرا بوی بهشت که از مسافت هزار سال راه به مشام می رسـد، ولی عاق والـدین وقاطع رحم و

پیرمرد زناکار و شخص متکبّر آن را استشمام نخواهند کرد. همانا کبریایی از آن خداوند است، او که پروردگار جهانیان است.

حدیث سی و یکم

عواقب دنیوی گناهان

علیّ بن إبراهیم، عن أبیه، وعدّه من أصحابنا، عن أحمد بن محمّد، جمیعاً، عن ابن محبوب، عن مالک بن عطیّه، عن أبی حمزه، عن أبی جعفرعلیه السلام قال:

وَجَدْنا فِی کِتابِ رَسُولِ اللَّه صلی الله علیه وآله:

إذا ظَهَرَ الزِّنا مِنْ بَعْدِی کَثُرَ مَوْتُ الْفُجْأَهِ، وَإذا طَفَّفَ الْمِکْیالُ وَالْمِیزانُ أَخَذَهُمُ اللَّهُ بِالسِّنِینِ وَالنَّقْصِ، وَإذا مَنَعُوا الزَّکاهَ مَنَعَتِ الْأَرْضُ بَرَکَتَها مِنَ الزَّرْعِ وَالثِّمارِ وَالْمَعادِنِ کُلِّها، وَإذا جارُوا فِی الْأَحْکامِ تَعاوَنُوا عَلَی الظُّلْمِ وَالْعُدْوانِ، وَإذا نَقَضُوا الْعَهْدَ سَلَّطَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ عَدُوَّهُمْ، وَإذا قَطَعُوا الْأَرْحامَ جُعِلَتِ الْأَمْوالُ فِی أَیْدِی الْأَشْرارِ، وَإذا لَمْ یَأْمُرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَلَمْ یَنْهَوا عَنِ الْمُنْکَرِ وَلَمْ یَتَّبِعُوا الْأَخْیارَ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی سَلَّطَ اللَّهُ عَلَیْهِمْ شِرارَهُمْ فَیَدْعُوا خِیارُهُمْ فَلا یُسْتَجابُ لَهُمْ.(۴۹)

امام باقرعلیه السلام می فرماید: در کتاب رسول خداصلی الله علیه وآله یافتیم که فرمودند:

هرگاه پس از من زنا پدیدار و شایع گردد، مرگ ناگهانی

فراوان شود و چون در کیل و وزن (پیمانه ترازو) کم و زیاد کنند، خدایشان به قحطی و کاستی گرفتار کند. و هرگاه از زکات دریغ کننـد، زمین برکتش را نسـبت به زراعت و میوه ها و معادن همه دریغ کند. و هرگاه در احکام الهی ظلم و سـتم کنند، بر ستم و عدوان همکاری نمایند. و هرگاه پیمان شکنند، خدا دشمنان را بر آن ها چیره سازد. و چون قطع رحم کنند، خدا مال را به دست اشـرار انـدازد. و هرگاه امر به معروف و نهی از منکر نکنند و پیروی از نیکان خاندان من ننمایند، خدا اشـرار آن ها را بر ایشان مسلّط گرداند و نیکان آن ها دعا کنند، ولی دعایشان اجابت نشود.

حدیث سی و دوم

بت پرستی و شراب خواری

حدّثنا الشـیخ الفقیه ابو جعفر محمّد بن علی بن الحسـین بن موسـی بن بابویه القمی رحمه الله قال: حدّثنا ابی – رضی اللَّه عنه – قال: حـدّثنا سـعد بن عبـداللَّه، عن الهیثم بن أبی مسـروق النهـدی، عن الحسن بن محبوب، عن أبی أیّوب الخزاز، عن محمّد بن مسلم الثقفی قال: سئل ابو عبداللَّه جعفر بن محمّد الصادق علیه السلام عن الخمر، فقال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

إنَّ أَوَّلَ مـا نَهـانِی عَنْهُ رَبّی – عَزَّوَجَـلَّ – عَنْ عِبـادَهِ الاَوْثـانِ وَشُـرْبِ الْخَمْرِ وَمُلاحـاهِ الرِّجـالِ، أَنَّ اللَّهَ تَبارَکَ وَتَعالی بَعَثَنِی رَحْمَهً لِلْعالَمِینَ وَلَأَمْحَق الْمَعازِفَ وَالْمَزامِیرَ وَأُمُورَ الْجاهِلِیَّهِ وَأَوْثانَها وَأَزْلامَها وَأَحْداثَها.

أُقْسِمُ رَبّی – جَلَّ جَلالُهُ – فَقالَ: لایَشْـرِبُ عَبْدٌ لِی خَمْراً فِی الدُّنْیا إلّا سَقَیْتُهُ یَوْمَ الْقِیامَهِ مِثْلَ ما شَرِبَ مِنْها مِنَ الْحَمِیمِ مُعَذَّباً بَعْدُ أَوْ مَغْفُوراً لَهُ.

وَقال علیه السلام: لاتُجالِسُوا شارِبَ الْخَمْرِ، وَلا تُزَوِّجُوهُ وَلا تَتَزَوَّجُوا إِلَیْهِ، وَإِنْ مَرِضَ فَلا تَعُودُوهُ، وَإِنْ ماتَ فَلا تُشَیِّعُوا

جِنازَتَهُ.

إِنَّ شارِبَ الْخَمْرِ يَجِی ءُ یَوْمَ الْقِیامَهِ مُسْوَدّاً وَجْهُهُ، مُزْرَقَهً عَیْناهُ، مائِلًا شَدْقُهُ، سائِلًا لِعابُهُ، دالِعاً لِسانُهُ عَنْ قَفاهُ.(۵۰)

پیامبر اعظم صلی الله علیه وآله فرمود:

اوّلین چیزی که خداوند متعال من را از آن نهی فرمود، بت پرستی و شراب خواری و در افتادن با مردان [ترک منازعه و مخاصمه با مردم بود.

همانا خداوند تبارک و تعالی مرا مبعوث کرد تا رحمت برای جهانیان باشم، تار و تنبور و امور جاهلیت را و بت ها و قمارهای آن(۵۱) و بدعت هایش را نابود سازم.

پروردگارم قسم یاد کرده و فرموده است:

هیچ یک از بندگانم در دنیا شراب نخورد مگر این که به همان اندازه که شراب نوشیده، از آب جوشیده جهنم به او بنوشانم؛ چه پس از آن هم معذّب باشد یا آمرزیده شود.

و فرمود: با شراب خوار همنشین نشوید، به او زن ندهید، از او زن نگیرید، اگر مریض شد به عیادتش نروید، اگر مرد در تشییع جنازه اش شرکت نکنید.

همانا شراب خوار در روز قیامت با روی سیاه محشور می شود، چشمانش کبود، لب و لوچه اش آویزان، آب دهانش روان و زبانش از پشت سر در آمده است.

حدیث سی و سوم

انگشت نما شدن

قال رسول اللّه صلی الله علیه وآله:

کَفی بِالْمَرْءِ إِثْماً أَنْ یُشارَ إِلَیْهِ بِالْأَصابعِ؛ إِنْ کانَ خَیْراً فَهِیَ مَزَلَّهٌ إِلّا مَنْ رَحِمَ اللّهُ تَعالی وَإِنْ کانَ شَرّاً فَهُوَ شَرٌّ.(۵۲)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

برای هر شخصی همین گناه بس است که انگشت نمای(۵۳) دیگران شود؛ اگر کارش خوب باشد که محل لغزش است مگر آن که خدایش ترحم کند و اگر کارش بد باشد که این انگشت نما شدن نیز خود شرّ دیگری است.

حدیث سی و چهارم

فرزند صالح

حدّثنا احمد بن محمّد بن يحيى العطار قال: حدّثنا أبى، عن أحمد بن أبى عبداللّه، عن محمّد بن على الكوفىّ، عن شريف بن سابق التفليسىّ، عن إبراهيم بن محمّد، عن الصادق جعفر بن محمّد، عن أبيه، عن آبائه عليهم السلام قال:

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله:

مَرَّ عِيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عليهما السلام بِقَبْرٍ يُعَذَّبُ صاحِبُهُ، ثُمَّ مَرَّ بِهِ مِنْ قابِلٍ فَإِذا هُوَ لَيْسَ يُعَذَّبُ. فَقالَ: يا رَبِّ! مَرَرْتُ بِهذَا الْقَبْرِ عَامِ أَوَّلَ فَكانَ صاحِبُهُ يُعَذَّبُ، ثُمَّ مَرَرْتُ بِهِ الْعامَ فَإِذا هُوَ لَيْسَ.

فَأَوْحَى اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ -: يا رُوْحَ اللَّهِ! أَنَّهُ أَدْرَكَ لَهُ وَلَدٌ صَالِحٌ فَأَصْلَحَ طَرِيقَاً وَآوى يَتِيماً، فَغَفَرْتُ لَهُ بِما عَمَلَ إِبْنَهُ.

قالَ: وَقالَ عِيْسَى بْنُ مَرْيَمَ عليهما السلام لِيَحْيَى بْنِ زَكَرِيّاعليه السلام: إِذا قِيلَ فِيكَ ما فِيكَ فَاعْلَمْ أَنَّهُ ذَنْبٌ ذَكَرْتَهُ فَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ مِنْهُ وَإِنْ قِيلَ فِيكَ مالَيْسَ فِيكَ فَاعْلَمْ أَنَّها حَسَنَةٌ كُتِبَتْ لَكَ لَمْ تَتْعَبُ فِيها.(۵۴)

رسول خداصلى الله عليه وآله فرمود:

حضرت عيسى به گورى گذر نمود كه صاحبش را عذاب مى كردند ولى سال ديگر بر آن گذشت، ديد عذاب ندارد. عرض كرد: پروردگارا! پارسال به اين گور گذشتم، صاحبش در حال عذاب بود ولى امسال مى بينم عذاب ندارد.

خداوند متعال به او وحى

فرمود: ای روح اللّه! وی فرزنـد صالحی داشت که بعـد از بلوغ، راهی را اصـلاح کرد و یتیمی را پناه داد، پس پـدر را به خاطر عمل فرزندش آمرزیدم.(۵۵)

عیسی بن مریم علیهما السلام به یحیی بن زکریاعلیهما السلام فرمود: اگر عیبی در توست، و دیگران درباره آن گفت و گو می کنند، بدان که آن گناه را به یادت آورده اند، پس استغفار کن و از خدا آمرزش بخواه.

و اگر عیبی در تو نیست و به تو تهمت می زننـد، بـدان که برایت حسـنه ای نوشـته خواهـد شـد بدون این که رنج و زحمتی را متحمّل شده باشی.

حدیث سی و پنجم

رساندن پیام پیامبرصلی الله علیه وآله

عده من أصـحابنا، عن أحمد بن محمّد بن عیسـی عن أحمد بن محمّد بن أبی نصر، عن أبان بن عثمان، عن ابن أبی یعفور، عن أبی عبداللّه علیه السلام:

أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه وآله خَطَبَ النّاسَ فِی مَسْجِدِ الْخیفِ، فَقالَ:

نَضَّرَ اللَّهُ عَبْداً سَمِعَ مَقالَتِی فَوَعاها وَحَفِظَها وَبَلَّغَها مَنْ لَمْ یَسْمَعْها، فَرُبَّ حامِلِ فِقْهٍ غَیْرَ فَقِیهٍ، وَرُبَّ حامِلِ فِقْهٍ إِلی مَنْ هُوَ أَفْقَهُ مِنْهُ.

ثَلاثٌ لایَغُلّ عَلَیْهِنَّ قَلْبُ امْرِی ءٍ مُسْلِمٍ:

إِخْلاصُ الْعَمَلِ للَّهِ ِ، وَالنَّصِیحَهُ لِأَئِمَّهِ الْمُسْلِمِینَ وَاللُّزُومُ لِجَماعَتِهِمْ، فَإِنَّ دَعْوَتَهُمْ مُحِیطَهٌ مِنْ وَرآئِهِمْ، اَلْمُسْلِمُونَ إِخْوَهٌ تَتَکافَأُ دِماؤُهُمْ وَیَسْعی بِذِمَّتِهِمْ أَدْناهُمْ.(۵۶)

رسول خداصلی الله علیه وآله که در مسجد خیف برای مسلمانان سخنرانی می کرد، فرمود:

خرّم کند خدا بنده ای را که گفتار مرا بشـنود و آن را در دل جای دهد و نگه دارد و به کسی که نشنیده برساند. چه بسا کسی که دسـتور بینایی و فهم با خود دارد و خود بینا و با فهم نیست و چه بسا کسـی که چنین دستوری را به فهیم تر از خود نقل می کند.

سه چیز است

که دل مرد مسلمان در آن ها دغلی [کوتاهی و خیانت روا نمی دارد:

۱) کردار پاک و بی غرض برای خدا.

۲) خیراندایشی برای پیشوایان و رهبران مسلمین.

۳) پیوست و پایداری در جماعت مسلمانان؛ زیرا دعوت جامعه مسلمانان فراگیرنده است هر آن که را در دنبال آنان باشد (دعای ائمه فراگیرد هرکه را در دنبال آنان باشد).

مسلمانان همه برادرند و خونشان با هم برابر است، کوچک ترین فرد مسلمان برای اجرای پیمان امان جامعه مسلمان کوشا است (پیمان امان کوچک ترین فرد مسلمان بر همه مسلمانان مجری است و باید برای اجرای آن شتاب شود).

حدیث سی و ششم

چند پند و نصیحت

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

کُونُوا فِی الدُّنْیا أَضْیافاً وَاتَّخِذُوا الْمَساجِدَ بُیُوتاً، عَوِّدُوا قُلُوبَکُمْ الرِّقَّهَ، وَأَکْثِرُوا التَّفَکُّرَ وَالْبُکآءَ، وَلا تَخْتَلِفَنَّ بِکُمُ الْأَهْوآءُ؛ تَبْنُونَ ما لا تَسْکُنُونَ وَتَجْمَعُونَ ما لا تَأْکُلُونَ وَتَأْمَلُونَ ما لا تُدْرِکُونَ.(۵۷)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

در دنیا همانند مهمان باشید. مسجدها را خانه خود کنید. دل ها را به رقّت عادت دهید. اندیشه و گریه بسیار نمایید. و هوس ها شما را از راه بیرون نبرد.

[آگاه باشید!] بناهایی می سازید که در آن ساکن نخواهید شد خوردنی هایی فراهم می کنید که از آن نخواهید خورد، و امیدهایی دارید که به آن نخواهید رسید.

حدیث سی و هفتم

چه دعایی کنیم؟

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

قُلِ اللَّهُمَّ اجْعَلْ سَرِیرَتِی خَیْراً مِنْ عَلانِیَتِی وَاجْعَلْ عَلانِیَتِی صالِحَهً، اَللَّهُمَّ إِنِّی أَسْئَلُکَ مِنْ صالِحِ ما تُؤْتِی النّاسَ مِنَ الْمالِ وَالْأَهْلِ وَالْوَلَدِ غَیْرَ الضّالِّ وَلاَ الْمُضِلِّ.(۵۸)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

بگو: خداوندا! نهان مرا از عیانم بهتر کن و عیانم را هم آن طور که شایسته است قرار بده.

خدایا! من از تو درخواست می کنم از همان چیزهای شایسته ای که به مردم می دهی؛ چه مال و چه زن و فرزند، که نه گمراه باشد و نه گمراه کند.

حدیث سی و هشتم

دعا برای دیگران و اثر آن

علی بن محمّد، عن محمّد بن سلیمان، عن اسماعیل بن إبراهیم، عن جعفر بن محمّد التمیمی، عن حسین بن علوان، عن أبی عبداللَّه علیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

ما مِنْ مُؤْمِنٍ دَعا لِلْمُؤْمِنِینَ وَالْمُؤْمِناتِ إِلّا رَدَّ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - عَلَیْهِ مِثْلَ الَّذِی دَعا لَهُمْ بِهِ مِنْ کُلِّ مُؤْمِنٍ وَمُؤْمِنَهٍ مَضی مِنْ أَوَّلِ الدَّهْرِ أَوْ هُوَ آتٍ إِلی یَوْمِ الْقِیامَهِ.

إِنَّ الْعَبْدَ یُؤْمَرُ بِهِ إِلَی النّارِ یَوْمَ القِیامَهِ فَیُسْحَبُ، فَیَقُولُ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِناتِ: یا رَبِّ هذَا الَّذِی کانَ یَدْعُو لَنا فَشَفِّعْنا فِیهِ، فَیُشَفِّعَهُمُ اللَّهُ - عَزَّوَجَلَّ - فِیهِ فَیَنْجُو.(۵۹)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

هیچ مؤمنی نیست که برای مردان و زنان مؤمن دعا کند جز این که خداوند - عزّوجلّ - به او برگرداند مانند آنچه را برای آنان دعا کرده است از طرف هر مرد مؤمن و هر زن مؤمنه ای که از آغاز روزگار از دنیا رفته است یا تا روز قیامت به جهان خواهد آمد.

همانا بنده ای باشد که روز قیامت دستور دهند که او را به دوزخ برند، پس او را به سوی آتش می کشند،

مؤمنین و مؤمنات می گویند: پروردگارا! این همان است که برای ما دعا می کرد، پس شفاعت ما را درباره او بپذیر.

و خدا نیز شفاعت آنان را درباره او می پذیرد پس این فرد نجات می یابد.

حدیث سی و نهم

همراهی با قرآن

عن احمد بن محمّد باسناده عن أبی عبداللَّه علیه السلام قال:

قال رسول اللَّه صلی الله علیه وآله:

تَعَلَّمُوا الْقُرْآنَ فَإِنَّهُ یَأْتِی یَوْمَ الْقِیامَهِ صاحِبَهُ فِی صُورَهِ شَابٍ جَمِیلٍ شاحِبِ اللَّوْنِ فَیَقُولُ لَهُ القُرآنُ: أَنَا الَّذِی کُنْتُ أَسْهَرْتُ لَیْلَکَ وَأَظْمَأْتُ هَواجِرَکَ وأَجْفَفْتُ رِیْقَکَ، وَأَسَلْتُ دَمْعَتِکَ، أَؤُولُ مَعَکَ حَیْثُما أُلْتَ وَکُلُّ تَاجِرٍ مِنْ وَرآءِ تِجارَتِهِ وَأَنَا الْیَوْمَ لَکَ مِنْ وَرآءِ تِجارَهِ کُلِ تاجِرٍ وَسَیَأْتِیکَ کِرامَهٌ [مِنَ اللَّهِ - عَزَّوَجَلَّ - فَأَبْشِرْ.

فَیُؤْتی بِتاجٍ فَیُوضَعُ عَلی رَأْسِهِ وَیُعْطَی الْأَمانُ بِیَمِینِهِ وَالْخُلْدُ فِی الْجِنانِ بِیَسارِهِ وَیُکْسی حُلَّتَیْنِ.

ثُمَّ یُقالُ لَهُ: إِقْرَءْ وَارْقَهْ.

فَکُلَّما قَرَأَ آیَهً صَعِدَ دَرَجَهً، وَیُکْسی أَبَواهُ حُلَّتَینْ إِنْ کانا مُؤْمِنَیْنِ.

ثُمَّ یُقالُ لَهُما: هذا لِما عَلَّمْتُماهُ القُرآنَ.(۶۰)

رسول خداصلی الله علیه وآله فرمود:

قرآن بیاموزید زیرا روز قیامت نزد خواننده خود آید صورت جوانی زیبا و خوش سیما.

پس قرآن به او می گوید: منم که شب تو را بی خواب کردم و روزهای گرم، تو را به تشنگی کشیدم و آب دهانت را خشک کردم و اشکت را روان ساختم، هرجا بروی با تو می آیم و هر تاجری در فکر تجارت خود به انتظار سود است و امروز نیز من برای تو و به نفع تو هستم.

پس بشارت باد بر تو که به زودی کرامتی از سوی خداوند - عزّوجلّ - به تو می رسد.

پس تاجی برایش آورند و بر سرش نهند و برگ امان به دست راستش و سند ماندگاری در بهشت را به دست دیگرش دهند و دو جامه بهشتی

به او بپوشانند.

سپس به او گفته شود: بخوان و بالا برو.

پس هرگاه آیه ای بخوانـد، درجه ای بالا رود و به پـدر و مادر او هم اگر مؤمن باشـند دو جامه پوشـند و به آن ها گویند: این مزد آن است که قرآن به او آموختید.

حدیث چهلم

لعن شده ها(۶۱)

قال رسول اللّه صلى الله عليه وآله

۱) لَعَنَ اللَّهُ الْخَمْرَ وَشارِبَها وَساقِيَها وَبايِعَها وَمُبْتاعَها وَعاصِرَها وَحامِلَها وَالْمَحْمُولَهَ إِلَيْهِ وَآكِلَ ثَمَنِها.

پیامبر خدا فرمود:

خـدا لعنت کنـد شـراب را و خورنـده آن را و ساقی آن را و فروشـنده آن را و خریدار آن را و تهیه کننده آن را و حمل کننده آن را و کسی که شراب برای او حمل می شود و خورنده پول آن را.

۲) لَعَنَ اللَّهُ الرِّبا وَآكِلَهُ وَكاتِبَهُ وَشاهِدَهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ.

خدا لعنت کند ربا را و خورنده آن را و نویسنده آن را و شاهد آن را، در حالی که می دانند.

۳) لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَ يَلْبَسُ لُبْسَهَ الْمَرْأَهِ وَالمَرْأَهَ يَلْبَسُ لُبْسَهَ الرَّجُلِ.

خدا لعنت کند مردی را که لباس زنانه می پوشد و زنی را که لباس مردانه می پوشد.

۴) لَعَنَ اللَّهُ الرَّجُلَهَ مِنَ النِّسآءِ.

خدا زنان مردنما را لعنت کند.

۵) لَعَنَ اللَّهُ الْمُتَشَبِّهاتِ مِنَ النِّسآءِ بِالرِّجالِ وَالْمُتَشَبِّهِينَ مِنَ الرِّجالِ بِالنِّسآءِ.

خدا لعنت کند زنانی را که خود را شبیه مردان کنند. و مردانی که خود را شبیه زنان نمایند.

۶) لَعَنَ اللَّهُ مَنْ فَرَّقَ بَيْنَ الْوالِدَهِ وَوَلَدِها وَبَيْنَ الْأَخِ وَأَخِيهِ.(۶۲)

خدا لعنت کند کسی را که بین مادر و فرزندش و بین دو برادر جدایی اندازد.

۷) لَعَنَ اللَّهُ مَنْ لَعَنَ وَالِدَيْهِ.

خدا لعنت کند کسی را که پدر و مادر خود را لعن کند.

۸) لَعَنَ اللَّهُ مَنْ یَسِمُ فِی الْوَجْهِ.

هر که به چهره علامت نهد خدایش لعنت کند.

۹)

لُعِنَ عَبْدُ الدِّينارِ وَلُعِنَ عَبْدُ الدِّرْهَمِ.

ملعون باد بنده دينار و ملعون باد بنده درهم.

۱۰) لَعَنَ اللَّهُ الرَّاشِي وَالْمُرْتَشِي وَالَّذِي يَمْشِي بَيْنَهُما.

خدا لعنت كند رشوه دهنده و رشوه گيرنده را و آن كسى كه بين اين دو واسطه مى شود.

۱۱) مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقى كَلَّهُ عَلَى النّاسِ.

هر كسى بار خويش به دوش مردم افكند ملعون است.

۱۲) مَلْعُونٌ مَنْ ضَارَّ مُؤْمِناً أَو مَكَرَ بِهِ.(۶۳)

هركه به مؤمنى زيان برساند يا با او مكر و حيله كند ملعون است.

معرفى كتاب هاى چاپ شده پيرامون پيامبر اكرم صلى الله عليه وآله

قسمت اول

عنوان كتاب پديد آورنده/موضوع و سطح

۱) آثار احمدى(تاريخ پيامبر اسلام و ائمه صلى الله عليه وآله) احمد استرآبادى

۲) آخرين پيامبرصلى الله عليه وآله اميرمهدى مراد حاصل/ادبيات نوجوانان

۳) آخرين ديدار رسول اكرم سيد مهدى شمس الدين

۴) آخرين رسالت و آخرين پيامبر مؤسسه در راه حقّ

۵) آخرين سفر رسول خدا سيد اسد اللَّه ياورى

۶) آخرين سفير رضا شيرازى

۷) آخرين نماز پيامبرصلى الله عليه وآله سيد مرتضى عسكرى/دفاعيه

۸) آداب پيامبرصلى الله عليه وآله در معاشرت با همنوعان محمّدرضا رضوانى/اخلاق

۹) آشنايى با جنگ هاى پيامبر و على عليهما السلام مهدى آيت اللهى/تاريخى

۱۰) آشنایی با جنگ های پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله مهدی آیت اللهی/تاریخی

۱۱) آنچه خدای کعبه اراده کند رضا رهگذر / کودکان

۱۲) آن قصه که در کتاب ها آمده بود... رضا رهگذر/داستان مذهبی

۱۳) آنک آن یتیم نظر کرده(پیامبر، از تولد تا بعثت) رضا رهگذر/سرگذشتنامه

۱۴) آنک آن یتیم نظر کرده(داستان کودکی پیامبر) محمّد لواسانی

۱۵) آواز گنجشک ها(چهل قصه) ناصر نادری/داستان های کودکان

۱۶) اخلاق از دیدگاه قرآن و پیامبر و عترت حسین

۱۷) اخلاق پیامبرصلی الله علیه وآله عبدالحمید جوده السحار/ اخلاق

۱۸) اخلاق پیامبرصلی الله علیه وآله عبدالکریم بی آزار شیرازی

۱۹) اخلاق و رفتار پیامبرصلی الله علیه وآله(برگزیده حیاه القلوب علامه مجلسی) ولی فاطمی

۲۰) اذان گوی پیامبرصلی الله علیه وآله سیدجلال خادمی/آموزش بزرگسالان، سرگذشتنامه

۲۱) از اسلام چه می دانیم (محمّد پیامبر رحمت) حسن اسلامی اردکانی

۲۲) اسرار مباهله محمّد رضا انصاری/اسلام و مسیحیت

۲۳) اسرار معراج پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله علی قرنی گلپایگانی

۲۴) اسلام شناسی و پاسخ به شبهات علی اصغر رضوانی/انتشارات جمکران

۲۵) افق علی (سیمایی از معراج) سید علی رضوی کشمیری/احادیث معراج

۲۶) الگوی برتر (شیوه مبارزه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله) محمّد رضا تویسرکانی/تاریخ

۲۷) الگوی کامل (نگاهی به سیره اخلاقی پیامبراکرم صلی الله علیه وآله) همت سهراب پور/اخلاق اسلامی

۲۸) امام علی علیه السلام از زبان پیامبر ذبیح اللّه اسماعیلی/فضایل

۲۹) امین قافله نور(برگزیده شعر مذهبی در ستایش پیامبر) امیرمسعود طاهریان

۳۰) اوّلین دانشگاه و آخرین پیامبر رضا پاک نژاد/ اسلام و بهداشت، اجتماع وعلوم

۳۱) اویس قرنی (اصحاب و یاران پیامبرصلی الله علیه وآله) امیر مهدی مراد حاصل/سرگذشتنامه

۳۲) ای ابوذر (پندهای پیامبر به ابوذر) حسن بن فضل طبرسی/احادیث اخلاقی

۳۳) ای پسر مسعود(پندهای گرانمایه پیامبراکرم صلی الله علیه وآله) حسن بن فضل طبرسی/اخلاق

۳۴) ای علی (پندهای گرانمایه پیامبراکرم به علی علیه السلام) حسن بن فضل طبرسی

۳۵) با پیامبر به سوی معراج علی شیروانی/سرگذشتنامه

۳۶) با جنگ های پیامبر اسلام آشنا شویم مهدی آیت اللهی

۳۷) با من سخن بگو رضا رهگذر/کودکان

۳۸)

بچه ها و پیامبرصلی الله علیه وآله مصطفی رحماندوست

۳۹) بحران جانشینی پیامبرصلی الله علیه وآله یوسف غلامی/اثبات خلافت

۴۰) برادر پیامبر، امام علی علیه السلام محمّدجواد شری

۴۱) بر ساحل چشمانش سعید روح افزا/داستان های مذهبی، ادبیات نوجوانان

۴۲) بر کرانه غدیر(۷۲ سؤال پیرامون غدیر) خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله

۴۳) برگزیدگان، حضرت پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله احمد رضا حسینی/احادیث اخلاقی

۴۴) بشاره المصطفی لشیعه المرتضی طبری / حدیث

۴۵) بوی گل محمّدی، قصه زندگانی پپامبر اسلام صلی الله علیه وآله جواد نعیمی/ادبیات نوجوانان

۴۶) بهار خانه ما(یادآور زندگی پیامبر گرامی اسلام) سعید روح افزا/ادبیات نوجوانان

۴۷) بهترین زندگی پرتو کلام پیامبرصلی الله علیه وآله م حکیمی

۴۸) به خاطر محمدصلی الله علیه وآله مجید ملا محمدی/داستان های مذهبی، ادبیات نوجوانان

۴۹) پروازهای غیبی (داستان های معراج) اسماعیل محمدی/داستان

۵۰) پژوهشی درباره پیامبر و قرآن فخرالدین حجازی/تمدن اسلام

۵۱) پندهای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله خطاب به ابوذغفاری خیراللّه سلیم زاده/اندرزنامه

۵۲) پیامبرصلی الله علیه وآله زین العابدین رهنما/سرگذشتنامه

۵۳) پیامبر، آفاق هجرت محمّد ابراهیم فجر

۵۴) پیامبر آگاهی محمّد ملکی/شعر فارسی

۵۵) پیامبر، از زبان علی محمّد تقی جعفری تبریزی/نهج البلاغه، نقد و تفسیر

۵۶) پیامبر، از کودکی و نوجوانی تا حراء محمّد ابراهیم فجر

۵۷) پیامبر، اسطوره حسن محمّد ابراهیم فجر

۵۸) پیامبر امّی مرتضی مطهری/مقاله و خطبه ها

۵۹) پیامبرصلی الله علیه وآله بهترین الگوی انسان ها جلیل صفری/آموزش بزرگسالان، اخلاق

۶۰) پیامبر پایه گذار تشیع از دیدگاه احادیث اهل سنت موسسه انتشارات رسالت

۶۱) پیامبر، جاذبه های عشق محمّد ابراهیم فجر/تاریخ

۶۲) پیامبر،

خندق، حماسه جاودانه حق محمّد ابراهیم فجر/تاریخ

۶۳) پیامبر خیبر، جلوه اعجاز حیدر محمّد ابراهیم فجر/تاریخ، اطلس ها

۶۴) پیامبر، در سپیده دم محمّد ابراهیم فجر

۶۵) پیامبر رحمت،(نگرشی گذرا بر زندگی رسول اکرم) ولی فاطمی/سرگذشتنامه

۶۶) پیامبر، رستاخیز جان ها محمّد ابراهیم فجر/سرگذشتنامه

۶۷) پیامبر، شهریار محبت محمّد ابراهیم فجر/سرگذشتنامه

۶۸) پیامبر، طائف به سفر لطائف محمّد ابراهیم فجر/اسلام و تاریخ

۶۹) پیامبر، طلیعه های بدر محمّد ابراهیم فجر/اسلام و تاریخ

۷۰) پیامبر، علی در معنای محمد محمّد ابراهیم فجر/اسلام و تاریخ

۷۱) پیامبر، فروغ ایزدی محمّد ابراهیم فجر

۷۲) پیامبر، قلمروهای بعثت محمّد ابراهیم فجر/سرگذشتنامه

۷۳) پیامبر، قله های احد محمّد ابراهیم فجر/ اسلام و تاریخ

۷۴) پیامبر، کیمیای معنا محمّد ابراهیم فجر/اسلام و تاریخ

۷۵) پیامبر،معراج محمّد ابراهیم فجر/اسلام، تاریخ

۷۶) پیامبر مهربانی غلامرضا حیدری ابهری/داستان ادبیات نوجوانان

۷۷) پیامبر و اهل بیت محمّد علی مجاهدی/به خط کریل

۷۸) پیامبر و پیامش سید مجتبی موسوی لاری/به خط زبان روسی

۷۹) پیامبر و بچه ها محسن بنشاسته/کودکان

۸۰) پیامبر وحدت سید حسین حسینی/سرگذشتنامه

۸۱) پیامبرصلی الله علیه وآله و یهود حجاز مصطفی صادقی/اسلام و یهودیان

۸۲) پیام پیامبر بهاءالدین خرمشاهی،مسعود انصاری/(نامه ها و خطبه ها

۸۳) پیام پیامبر محمّد تقی حکیم/کلمات قصار

۸۴) پیغمبر و یاران آیه اللّه محمّد علی عالمی

۸۵) پیمانه ای از غدیر(خطبه پیامبر) علیرضا مهرپرور/شعرفارسی

۸۶) تاریخ اسلام: زندگانی پیامبر خاتم صلی الله علیه وآله جعفر سبحانی تبریزی/تاریخ

۸۷) تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله عباس صفایی حائری/انتشارات جمکران

۸۸) تاریخ پیامبر اسلام محمّد ابراهیم آیتی/سرگذشتنامه

۸۹

) تاریخ تحلیلی اسلام عین اللّه ارشادی/تاریخ پیش از اسلام تا رحلت پیامبر

۹۰) تاریخ تحلیلی اسلام،(نگرشی بر روش پیامبرصلی الله علیه وآله برای ساختن جامعه اسلامی) تاریخ

۹۱) تاریخ چهارده معصوم علیهم السلام احمد امیر پور/چهارده معصوم، سرگذشتنامه

۹۲) تاریخ حدیث پیامبرصلی الله علیه وآله سید مرتضی عسکری/احادیث شیعه

۹۳) تاریخ صدر اسلام، پژوهشی در تاریخ پیامبر اسلام اصغر منتظر القائم/تاریخ

۹۴) تاریخ مجاهدات پیامبر اکرم عباس صفایی حایری/سرگذشتنامه

۹۵) تاریخ مختصر زندگی پیامبراکرم علی کمالی دزفولی

۹۶) تاریخ منظوم چهارده معصوم علیهم السلام مجتبی رضانژاد/شعر فارسی

۹۷) تاریخ و تحلیل پنج سال از هجرت پیامبرصلی الله علیه وآله حسین ایرانی

۹۸) ترجمه ارشاد القلوب حسن بن محمّد دیلمی

۹۹) تکنولوژی اعتقادی، معراج، تولد عیسی علی اکبر مهرابی/مقاله های فارسی

۱۰۰) توسل به پیامبر سیّد مرتضی عسکری/شفاعت، توسل

۱۰۱) توصیف علی علیه السلام از زبان پیامبر عباس قدیانی

۱۰۲) ثبات و دوام سنّت پیامبر محمّد رضا جوادی

۱۰۳) جانشینی پیامبر، یا امامت موسسه در راه حق/عقاید

۱۰۴) جستار و پژوهش درباره، زندگی پیامبر اسلام مهرو (شهیدزاده)امامزاده

۱۰۵) جلوه های تقوا محمّد حسن حائری یزدی/داستان های اخلاقی

۱۰۶) جنگ احد، بدر ناصر طاهرنیا/ادبیات نوجوانان

۱۰۷) جنگ های ارتداد و بحران جانشین پیامبر علی غلامی دهقی/تاریخ

۱۰۸) جنگ ها و غزوات پیامبر اسلام، جنگ بدر حلمی التونی/ادبیات نوجوانان

۱۰۹) جوان در چشم و دل پیامبرصلی الله علیه وآله محمّد باقر پورامینی/احادیث، جوانان

۱۱۰) چرا به پیامبر نیازمندیم؟ مهدی آیت اللهی/ادبیات نوجوانان

۱۱۱) چکیده تاریخ پیامبر اسلام محمّد ابراهیم آیتی/تاریخ، اطلس ها

۱۱۲) چهل حدیث حیات از

ستارگان درخشان انسانیت حسین خیاطی

۱۱۳) حضرت محمّدصلی الله علیه وآله آخرین پیامبر عبدالرشید تریز/ادبیات نوجوانان

۱۱۴) حضرت محمّد (بخوان و رنگ کن) مرتضی امین/کودکان

۱۱۵) حضرت محمّدصلی الله علیه وآله انتشارات جمکران/کودکان

۱۱۶) حیات پاکان، داستان هایی از زندگی پیامبراکرم مهدی محدثی/داستان

۱۱۷) حیوه القلوب، تاریخ پیامبر اسلام علامه مجلسی/سرگذشتنامه

۱۱۸) خاطره هایی از پیامبر اکرم، از زبان این پنج زن قاسم کریمی/سرگذشتنامه

۱۱۹) خداوند پیروزی پیامبر اسلام را تضمین کرده است عزت السادات الهی

۱۲۰) خطاب های پیامبر به علی علیهما السلام محمّد علی رسولی/نامه ها و یادبودها

۱۲۱) خطابه غدیر: ترسیمی از صحنه غدیرخم محمّد باقر انصاری/اثبات خلافت

۱۲۲) خطبه پیامبر اکرم در غدیر حسین عمادزاده/غدیرخم، خطبه ها

۱۲۳) خطبه پیامبر اکرم در غدیر خم عبدالمجید رکنی/غدیرخم، خطبه ها

۱۲۴) خورشید اسلام چگونه درخشید و ... محمّد باقر علم الهدی/تاریخ اسلام

۱۲۵) خورشیدی در خانه خدیجه رضا رهگذر/جوانی پیامبر

۱۲۶) داد و ستد کودکانه رضا رهگذر/ داستان زندگی پیامبرصلی الله علیه وآله

۱۲۷) داستان پیامبر علی موسوی گرمارودی

۱۲۸) داستان پیامبر اسلام ناصر مکارم شیرازی/قرآن، قصه ها

۱۲۹) داستان زندگی پیامبر رضا رهگذر/داستان زندگی نیای پیامبر

قسمت دوم

۱۳۰) داستان زندگی پیامبر عبدالحمید جوده السحار/ جنگ خندق

۱۳۱) داستان زندگی پیامبر (اخلاق پیامبر) عبدالحمید جوده السحار/اخلاق

۱۳۲) داستان زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله رضا رهگذر/سرگذشتنامه

۱۳۳) داستان زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله از تولد تا وفات مهدی آیت اللهی/سرگذشتنامه

۱۳۴) داستان زندگی پیامبر عبدالحمید جوده السحار/کودکان و نوجوانان

۱۳۵) داستان زندگی پیامبر (فتح مکه) عبدالحمید جوده السحار/کودکان و نوجوانان

۱۳۶) داستان زندگی

پیامبرجنگ احد عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۳۷) داستان زندگی پیامبر جنگ تبوک عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۳۸) داستان زندگی پیامبر جنگ حنین عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۳۹) داستان زندگی پیامبر جنگ خندق عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۴۰) داستان زندگی پیامبر حجّ وداع عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۴۱) داستان زندگی پیامبر دوران جوانی عبدالحمید جوده السحار /جوانان

۱۴۲) داستان زندگی پیامبر دوران شکنجه و رنج عبدالحمید جوده السحار

۱۴۳) داستان زندگی پیامبردوران کودکی عبدالحمید جوده السحار /کودکان

۱۴۴) داستان زندگی پیامبر صدور انقلاب عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۴۵) داستان زندگی پیامبر صلح حدیبیه عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۴۶) داستان زندگی پیامبر فتح مکه عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۴۷) داستان زندگی پیامبر عبدالکریم بی آزار شیرازی/کودکان و نوجوانان

۱۴۸) داستان زندگی پیامبر(صلح حدیبیه) عبدالحمید جوده السحار/کودکان و نوجوانان

۱۴۹) داستان زندگی پیامبر محاصره اقتصادی عبدالحمید جوده السحار /سرگذشتنامه

۱۵۰) داستان سیل آن سال (داستان جوانی پیامبر) رضا رهگذر /ادبیات نوجوانان

۱۵۱) داستان ها ودرس هایی از زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله مرتضی نظری

۱۵۲) داستان هایی از پیامبر اسلام حمید خرمی /داستان های مذهبی

۱۵۳) داستان هایی از معجزات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله رضا باقریان موحد /داستان های مذهبی

۱۵۴) داستان هایی از معراج پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله عبداللّه حسینی/معراج

۱۵۵) داستان های پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله جعفر حسینی/برگرفته از بحارالانوار

۱۵۶) داستان های خواندنی از پیامبران اولوالعزم محمّد محمدی اشتهاردی

۱۵۷) در آستانه سالزاد پیامبر محمود رامیار

۱۵۸) درر المصائب،(در مراثی ومدائح پیامبرصلی الله علیه وآله) علی سرافراز/شعر مذهبی

۱۵۹) درس هایی از زندگی پیامبر نور و رحمت

مهدی حائری تهرانی/کلمات قصار

۱۶۰) دریاست که می ماند(یادآوری زندگی پیامبر گرامی صلی الله علیه وآله) سعید روح افزا/نوجوانان

۱۶۱) رسائل النبیّ والوصی صادق آئینه وند/نامه ها

۱۶۲) رفتار پیامبرصلی الله علیه وآله با کودکان و جوانان محمّد علی چنارانی/اخلاق اسلامی

۱۶۳) رفتار پیامبرصلی الله علیه وآله در منزل محمّد علی چنارانی/اخلاق

۱۶۴) رمز اشک، اشک های پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله مهدی احدی امیر کلائی

۱۶۵) ره توشه، پندهای پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله محمدتقی مصباح/احادیث شیعه

۱۶۶) ریاض الصالحین،(احادیث پیامبر بزرگ اسلام) یحی بن شرف نووی/احادیث شیعه

۱۶۷) زبان فرشتگان، شرحی به پیامبر جبران خلیل جبران/شعر منثور فارسی

۱۶۸) زبده المنهاج مشتمل بر اسرار معراج علی قرنی گلپایگانی

۱۶۹) زنان پیرامون پیامبرصلی الله علیه وآله محمودی مهدی استانبولی/زنان مقدّس اسلام

۱۷۰) از نجران تا مدینه،(۹۰ داستان از مباهله) محمّد رضا انصاری/داستان مذهبی

۱۷۱) زندگانی امام علی، زندگی با پیامبر مهدی یوسف/سرگذشتنامه

۱۷۲) زندگانی پیامبر اسلام شهباز آزادمهر/سرگذشتنامه

۱۷۳) زندگانی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله محمّد تقی صرفی/سرگذشتنامه

۱۷۴) زندگانی پیامبر اسلام حضرت محمدصلی الله علیه وآله موسسه در راه حق/آموزش بزرگسالان

۱۷۵) زندگانی پیامبر در بیست قصه عبدالتواب یوسف/ادبیات نوجوانان، قصه ها

۱۷۶) زندگی حضرت محمد سید هاشم رسول محلاتی

۱۷۷) زندگی حضرت محمدصلی الله علیه وآله پیامبر اسلام عبدالملک ابن هشام/ترجمه سیره النبویه

۱۷۸) زندگی محمّدصلی الله علیه وآله پیامبر اسلام محمّد علی خلیلی/سرگذشتنامه

۱۷۹) زندگی محمّد پیشوای اسلام حسین عماد زاده

۱۸۰) زیارت پیامبرصلی الله علیه وآله سعید آراء/زیارتنامه ها

۱۸۱) سخنان قدسی موسسه پیام امام هادی علیه السلام/احادیث خاص

۱۸۲)

سفارشات پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله به دختران و زنان سید جمیلی/کلمات قصار

۱۸۳) سفر دراز شام: داستان کودکی پیامبرصلی الله علیه وآله رضا رهگذر

۱۸۴) سفر شبانه (قصه معراج پیامبرصلی الله علیه وآله) رضا شیرازی/داستان ها معراج

۱۸۵) سنن النبی آداب و سنن پیامبرصلی الله علیه وآله علامه محمّد حسین طباطبایی/احادیث شیعه

۱۸۶) سیاست خارجی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله علی فائزی/اسلام و دولت

۱۸۷) سیره تبلیغی پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله مترجم،اصغر افتخاری/اسلام، تبلیغات

۱۸۸) سیره تربیتی پیامبر و اهل بیت علیهم السلام علی حسینی زاده/اسلام و آموزش و پرورش

۱۸۹) سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام مرتضی عاملی

۱۹۰) سیره معصومان، پیامبر اسلام خاتم الانبیاء محسن امین

۱۹۱) سیری در سیره پیامبرصلی الله علیه وآله محی الدین مستو/۵۰۰ سؤال و جواب

۱۹۲) سیمای آفتاب: شمایل پیامبر عزیز اسلام صلی الله علیه وآله ابوالفضل موسوی گرمارودی

۱۹۳) سیمای پرفروغ محمّد (کحل البصر) شیخ عباسی قمی

۱۹۴) سیمای مدینه (شهر پیامبرصلی الله علیه وآله) محمّد صحتی سردرودی/زیارتگاه های اسلامی

۱۹۵) سیمای معراج پیامبرصلی الله علیه وآله محمدمحمدی اشتهاردی/معراج

۱۹۶) شرح و تفسیر خطبه پیامبر اکرم در غدیرخم محمدتقی نقوی

۱۹۷) شش مقاله، ختم نبوت مرتضی مطهری/مقاله ها و خطابه ها

۱۹۸) شصت و سه سال با پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله اسداللّه افشار/سرگذشتنامه

۱۹۹) شعله جاوید سعید آل رسول/داستان زندگی پیامبرصلی الله علیه وآله

۲۰۰) شهر پیامبر حبیب یغمایی/شعر

۲۰۱) شیعه النبی سید ابوالحسن حسینی

۲۰۲) شیعیان اهل بیت پیامبرصلی الله علیه وآله سید مرتضی عسکری/چهارده معصوم

۲۰۳) شیعیان علی علیه السلام از نگاه پیامبرصلی الله

علیه وآله محمّد حسن زمانی/احادیث اهل سنت

۲۰۴) شیفتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام محمّد فوزی/صحابه، سرگذشتنامه

۲۰۵) شیوه همسرداری پیامبرصلی الله علیه وآله احمد عابدینی/به گزارش قرآن وسنت

۲۰۶) صدقه، چهل اندرز و سخن کوتاه از پیامبر گرامی رمضانعلی قربان پور

۲۰۷) صدور انقلاب، داستان زندگی پیامبر عبدالحمید جوده السحار

۲۰۸) ضیافت نور میرخسرو نیکزاد

۲۰۹) طبقات، غزوه ها و سریه های پیامبرصلی الله علیه وآله محمّد بن سعد کاتب واقدی

۲۱۰) طه سیّد امیر معصومی

۲۱۱) عجایب و معجزات شگفت انگیزی از پیامبرصلی الله علیه وآله معجزات

۲۱۲) عشق به بی نهایت اللّه معجزه آسمانی پیامبرصلی الله علیه وآله اقدس (مجدی) فقیهی

۲۱۳) عطر آیه ها (پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله) مهدی وحیدی صدر/شعر کودکان

۲۱۴) فرازهایی از تاریخ پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله جعفر سبحانی/تاریخ، اطلس ها

۲۱۵) فروغ ابدیت،(تجزیه و تحلیل کاملی از زندگی پیامبراکرم صلی الله علیه وآله) جعفر سبحانی

۲۱۶) قرآن و آخرین پیامبر ناصر مکارم شیرازی

۲۱۷) کودکی آخرین پیامبر سپیده خلیلی/سرگذشتنامه، کودکان

۲۱۸) کودکی با پیامبر سخن گفت مرتضی دانشمند/گروه سنی ب.ج

۲۱۹) گزیده ای از اندرزها و سخنان کوتاه پیامبراکرم صلی الله علیه وآله علاء الدین پازارگادی/اندرزنامه

۲۲۰) گفتار پیامبرصلی الله علیه وآله در نهج البلاغه محمّد محمّدی اشتهاردی

۲۲۱) لالایی معصومین (حضرت محمّد) رضوان داستان پرو/ شعر کودک

۲۲۲) لبخند شیرین پیامبر محمّد ناصری/نماز، داستان، ادبیات نوجوانان

الله علیه وآله حسن بنا/دعا

۲۲۶) متن کامل خطبه پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله در غدیرخم حوزه علمیه حضرت زهراعلیها السلام

۲۲۷) محاصره اقتصادی، داستان زندگی پیامبر عبدالحمید جوده السحار

۲۲۸) محمدصلی الله علیه وآله آخرین پیامبر حسن اسلامی اردکانی

۲۲۹) محمّدصلی الله علیه وآله پیامبر رحمت حسن اسلامی اردکانی

۲۳۰) محمّد تصویر جمال خدا حسین بدرالدین

۲۳۱) محمدصلی الله علیه وآله در مکه(تحلیلی نوین از زندگی سیاسی و اجتماعی پیامبر) سمیح عاطف زین

۲۳۲) محمدصلی الله علیه وآله فرزانه آفرینش سید محمّد یزدی/سرگذشتنامه، فضایل

۲۳۳) مصابیح القلوب حسن بن حسن/شرح پنجاه و سه حدیث اخلاقی از پیامبرصلی الله علیه وآله

۲۳۴) معجزات و مقامات عرفانی حضرت محمدصلی الله علیه وآله سید علی حسینی

۲۳۵) معراج فیض کاشانی

۲۳۶) منتهی الاعمال مرحوم شیخ عباس قمی

۲۳۷) منشور جاوید جعفر سبحانی تبریزی/تفسیر موضوعی

۲۳۸) میلاد پیامبرصلی الله علیه وآله اسحاق محمدی/ادبیات نوجوانان

۲۳۹) میلاد پیامبر عبدالحمید جوده السحار/ادبیات نوجوانان

۲۴۰) میلاد نور نجف علی مهاجر

۲۴۱) نای حکمت جواد محدثی

۲۴۲) نگاهی بر زندگی پیامبر اسلام صلی الله علیه وآله محمّد محمدی اشتهاردی

۲۴۳) نگاهی دوباره به سیمای پیامبرصلی الله علیه وآله رضا رجب زاده

۲۴۴) نگرشی کوتاه به زندگی پیامبر مؤسسه در راه حق

۲۴۵) نهج الفصاحه ابوالقاسم پاینده / حدیث

۲۴۶) ۱۴ نور پاک؛ زندگی پیامبر عقیقی بخشایشی/سرگذشتنامه

۲۴۷) و آن ستاره که دنباله دار می آید رضا رهگذر/کودکان و نوجانان

۲۴۸) اوصاف روزه داران(شرح خطبه شعبانیه) محمّد علی جزایری/دعای شعبانیه

۲۴۹) وحی در ادیان آسمانی ابراهیم امینی

۲۵۰

) وصیت های پیامبر به علی علیهما السلام مکتب قرآن

۲۵۱) وضوی پیامبرصلی الله علیه وآله سید علی شهرستانی

۲۵۲) وفات پیامبر و فتح فلسطین عبدالکریم بی آزار شیرازی

۲۵۳) ولایت علی در قرآن و سنت پیامبرصلی الله علیه وآله سید مرتضی عسکری

۲۵۴) هجرت به مدینه عبدالحمید جوده السحار

۲۵۵) هجرت پیامبر اسحاق محمدی

۲۵۶) هدایت گران راه نور سید محمد تقی مدرسی/زندگی پیامبرصلی الله علیه وآله

۲۵۷) همگام با رسول صلی الله علیه وآله جواد محدثی/اخلاقی

۲۵۸) یاران مهربانی (بازسازی کعبه، آغاز رسالت) کریمان حمزه/سرگذشتنامه

۲۵۹) یک باغ لبخند محمّد پور وهاب/نوجوانان، داستانی

۲۶۰) یک پیامبر و هفتاد و سه مذهب محمّد مهدی نکونام

پی نوشت ها

۱) بحارالانوار، ج ۲، ص ۱۵۳.

۲) سوره نجم، آیه ۳ و ۴.

۳) سوره احزاب، آیه ۲۱.

۴) سوره احزاب، آیه ۴۵، ۴۶.

۵) فَبِما رَحْمَهٍ مِّنَ اللَّهِ لِنتَ لَهُمْ» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹).

۶) لَقَدْ جَآءَکُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِکُمْ عَزِیزٌ عَلَیْهِ ما عَنِتُّمْ حَرِیصٌ عَلَیْکُم بِالْمُؤْمِنِینَ رَءُوفٌ رَّحِیمٌ»؛به یقین، رسولی از خود شما به سویتان آمد که رنج های شما بر او سخت است؛ و اصرار بر هدایت شما دارد؛ و نسبت به مؤمنان، رئوف و مهربان است! (سوره توبه، آیه ۱۲۸).

۷) و تو اخلاق عظیم و برجسته ای داری!» (سوره قلم، آیه ۴).

۸) جالب توجّه این که از زمان بررسی کتاب های حدیثی و انتخاب و گزینش این چهل حدیث تا مرحله تایپ و آماده شدن متن جهت چاپ، چهل روز طول کشید.

۹) امالی شیخ صدوق، مجلس ۵۰، حدیث ۷.

۱۰) اصول کافی، ج ۱، ص ۲۷۴، حدیث ۹.

۱۱) اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۸، حدیث ۱

۱۲) اصول کافی، جلد ۴، ص ۱۴۸،

حدیث ۲.

۱۳) أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۳، حدیث ۹.

۱۴) اصول کافی، جلد۴، ص ۱۵۰، حدیث ۳.

۱۵) أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۳، حدیث ۷.

۱۶) أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۱۵، حدیث ۱۱.

۱۷) أمالی صدوق رحمه الله، مجلس ۲۱، حدیث ۱.

۱۸) از بزرگی نقل شده است: با این که دشمنان امام علی علیه السلام فضایل ایشان را به علّت بغض و کینه مخفی کردند و دوستانش نیز از ترس و تقیه، لب به سخن نگشودند فضایل و مناقب امیرالمؤمنین علیه السلام تمام جهان را فرا گرفته است.

۱۹) کمال الدین، جلد ۱، ص ۲۸۰، حدیث ۲۷.

۲۰) سوره آل عمران، آیه ۷.

۲۱) اصول کافی، ج ۱، ص ۳۸، حدیث ۱۱.

۲۲) اصول کافی، ج ۱، ص ۹۴، حدیث ۱.

۲۳) از این قسمت حدیث معلوم می شود، آن علمی ارزش دارد که برای خدا و در راستای امر رسالت باشد.

۲۴) امالی شیخ صدوق، مجلس ۱۶، حدیث ۲.

۲۵) وقت مخصوص و فضیلت نمازهای پنجگانه توسط معصومین علیهم السلام مشخص شده و در رساله مراجع معظم تقلید بیان شده است؛ اگرچه اجازه داده اند که به صورت جمع و در سه نوبت نیز خوانده شود.

۲۶) امالی شیخ صدوق، مجلس ۲۶، حدیث ۸.

۲۷) وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۴۲۶، حدیث ۶.

۲۸) وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۵۵۰، حدیث ۲۴.

۲۹) مستحب است کسی که عطسه می کند، الحمد للّه بگوید و صلوات بفرستد و آن که می شنود به او «یَرْحَمُکُمُ اللَّهُ» بگوید.

۳۰) اصول کافی، ج ۴، ص ۲۱۴، حدیث ۹.

۳۱) اصول کافی، ج ۴، ص ۲۲۴، حدیث ۲.

۳۲) اصول کافی، ج ۴، ص ۲۷۸، حدیث ۱۵.

۳۳) اصول کافی، ج ۱، ص ۱۱۴، حدیث ۸.

۳۴) چون کلام معصومین علیهم السلام نور است و نور الهی تاریکی ها و ظلمات گناه را که قلب احاطه

کرده است می زداید.

۳۵) امالی شیخ صدوق، مجلس ۵۰، حدیث ۱۱.

۳۶) خلاصه معنای تقوای و پرهیزکاری؛ یعنی پروا و حریم نگه داشتن برای خداوند که نتیجه آن انجام واجبات الهی و ترک محرمات است.

۳۷) اصول کافی، ج ۴، ص ۳۷۸، حدیث ۷.

۳۸) اصول کافی، ج ۴، ص ۴۴۶، حدیث ۵.

۳۹) اصول کافی، ج ۴، ص ۵۶۸، حدیث ۱۱.

۴۰) اصول کافی، ج ۴، ص ۵۹۲، حدیث ۲.

۴۱) اصول کافی، ج ۵، ص ۲۲۸، حدیث ۸.

۴۲) اصول کافی، ج ۵، ص ۲۵۰، حدیث ۳.

۴۳) سوره اسراء، آیه ۶۴.

۴۴) در حدیثی است که هرکه خمس اموال خود را نپردازد، شیطان در مال و فرزندان او شریک می شود.

۴۵) اصول کافی، ج ۵، ص ۲۸۰، حدیث ۲.

۴۶) پس چه بهتر که انسان خواسته خود را به خواسته الهی گره بزند و هرچه خدا می خواهد همان را بخواهد.

۴۷) اصول کافی، ج ۵، ص ۳۰۲، حدیث ۵.

۴۸) اصول کافی، ج ۵، ص ۳۱۲، حدیث ۶.

۴۹) اصول کافی، ج ۵، ص ۳۷۲، حدیث ۲.

۵۰) امالی شیخ صدوق، مجلس ۶۵، حدیث ۱.

۵۱) تیرهای مخصوصی بوده است که در زمان جاهلیّت برای شرطبندی استفاده می کرده اند.

۵۲) نهج الفصاحه، ص ۴۵۴، ح ۲۱۴۱.

۵۳) یعنی رفتار و پوشاک او به نحوی باشد که موجب جلب توجّه دیگران شود؛ اگر چه پوشیدن لباس شهرت نیز تحریم شده است.

۵۴) امالی، مجلس ۷۷، حدیث ۸.

۵۵) در حدیثی است که می فرماید: هرگاه انسان از دنیا برود عمل او نیز منقطع می شود مگر در سه چیز: فرزند صالحی تربیت کرده باشد، یا علمی که دیگران از او استفاده کنند و یا صدقه جاریه ای باقی گذاشته باشد.

۵۶) اصول کافی، ج ۶، ص ۱۳۲، حدیث ۱.

۵۷) نهج

الفصاحه، ص ۴۶۳، ح ۲۱۸۸.

۵۸) نهج الفصاحه، ص ۴۴۵، ح ۲۰۹۱.

۵۹) اصول کافی، ج ۶، ص ۱۲۶، حدیث ۵.

۶۰) اصول کافی، ج ۶، ص ۳۹۸، حدیث ۳.

۶۱) این چند حدیث با موضوع لعن که در یک عنوان آمده، از نهج الفصاحه ابوالقاسم پاینده و غلام حسین مجیدی گزینش شده است.

۶۲) نهج الفصاحه، ص ۴۷۶، ح ۲۲۴۰

۶۳) نهج الفصاحه، ص ۴۷۳ - ۴۷۶.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹